



دين حق

دين الحق
(فارسی)



فضيلت شيخ

عبدالرحمن بن حماد العمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ممن
HNTSoft

شركاء التنفيذ:



المحتوى الإسلامي



رواد الترجمة




جمعية الربوة



دار الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص.

 Telephone: +966114454900

 ceo@rabwah.sa

 P.O.BOX: 29465

 RIYADH: 11557

 www.islamhouse.com

بسم الله الرحمن الرحيم

* پیشگفتار و تقدیم *

حمد و ثنا بر پروردگار عالمیان، درود و سلام بر تمام پیامبران الهی، و بعد

اینک تمام خردمندان (اعم از مردان و زنان) را به راه نجات دعوت می‌نمایم، و از بارگاه الله متعال می‌خواهم تا این کتاب سبب سعادت برای کسانی گردد که راه گم کرده‌اند، همچنان برای خود و کسانی که در پخش این دعوت سهم گرفته‌اند پاداش نیکو می‌طلبم، پس به یاری الله متعال آغاز می‌نمایم

ای انسان عاقل! بدان که نجات و خوشبختی در زندگی دنیوی و اخروی را دریافت نخواهی کرد تا اینکه پروردگارت را شناسی، به وی ایمان نیاوری و تنها وی را عبادت نکنی، پیامبری را که از طرف الله متعال برای تو

و همه مردم فرستاده شده است شناسی، به وی ایمان آورده و از وی پیروی نکنی، و دین بر حق که پروردگارت به پیروی از آن تو را امر کرده است شناسی، به آن ایمان آورده و بر مقتضای آن عمل نکنی.

این کتاب (راه حق) را که فعلا در اختیار دارید، دربرگیرنده یی موارد بزرگ متذکره میباشد، اموری که دانستن و عمل به آن بر شما واجب میباشد. در حاشیه روی شماری از کلمات و مسایل جهت توضیح بیشتر تذکر داده ام، البته تمام استنادم به قرآن و سنت نبوی بوده است، چون یگانه مرجع برای دین حق بوده، و الله متعال هیچ دینی را بدون آن دو مرجع نمی پذیرد.

تقلید کورکورانه یی که اکثریت مردم را گمراه نموده است، کنار گذاشتم، برخی از گروه های گمراه که دعوای حقانیت دارند نامبرده ام، در حالیکه آنها از حق بسیار

فاصله دارند؛ تا مردم نادان از گروه گمراهان در حذر باشند. خداوند برایم کافیست و بهترین کفالت کننده است.

گفته و نوشته: محتاج به عفو الهی

عبد الرحمن بن حماد آل عمر

استاد علوم دینی



* فصل اول *

* شناخت الله (۱- خالق بزرگ) *

بدان ای انسان عاقل! پروردگاری که تو را از نیست خلق نمود و به نعمت های فراوان تو را پرورش داد، همانا پروردگار عالمیان است. عاقلانی که به الله ایمان آورده اند، وی را به چشمان شان ندیده اند، مگر نشانه هایی را دیده اند که دلالت به وجود او تعالی و اینکه او خالق مدبر برای همه هستی است، با آنها وی را شناختند و از جمله این دلایل اینست:

نشانه اول: هستی، انسان و زندگی: چیزهای آفریده شده هستند که آغاز و پایان دارند و به دیگران نیازمند هستند. بدون شک، چیزی آفریده شده و نیازمند به دیگران حتما مخلوق میباشد، و مخلوق بدون شک خالق

و آفریده گار دارد، و خالق تمام هستی همانا الله متعال میباشد.

خداوند متعال از ذات اقدس خود خبر میدهد که وی پیدا کننده تمام هستی میباشد، این خبر از جانب الله متعال در تمام کتابهای آسمانی که بر پیامبران نازل گردیده است تذکر داده شده است.

تمام پیامبران، پیام الهی را برای مردم ابلاغ نموده اند، و آنها را به ایمان داشتن به الله، و یگانه پرستی او فرا خوانده اند؛ الله متعال در قرآن کریم میفرماید: **(إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ).**

پروردگار شما آن الله است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، آن گاه بر عرش قرار گرفت، روز را به پرده شب (و به عکس) در پوشاند که با شتاب در پی آن پوید، و نیز آفتاب و ماه و ستارگان رامسخر فرمان خود آفرید. آگاه باشید که آفرینش و حکم نافذ فرمان اوست، بس منزّه و بلند مرتبه است الله یکتا که پروردگار عالمیان است). {الأعراف:54}

مفهوم کلی آیت:

الله متعال به عموم مردم خبر می دهد که او پروردگار آنهاست، آنکه آنها را پیدا کرده است، آسمان ها و زمین را در شش روز (۳) آفرید، و اینکه او ذات اقدس بالای عرش قرار (۴) گرفت.

عرش بالای آسمانها قرار دارد، و آن بلندترین و وسیع ترین مخلوق الله است، و الله بالای همان عرش قرار

دارد، و او با دانایی، شنوایی و بینایی خود با تمام مخلوقات هست، هیچ کاری از مخلوقات از او پوشیده نیست. و الله متعال خبر میدهد که: من توسط تاریکی شب روز را میپوشانم، و به تعقیب آن توسط روشنایی روز، تاریکی شب را میپوشانم. و خبر میدهد که من آفتاب، مهتاب، و ستاره ها را آفریده ام، و تمام آنها عاجزانه در مسیر خود حرکت میکنند. و همچنان خبر میدهد که او پیدا کننده و امر کننده است، و او ذات بزرگ و در ذات و صفات خود کامل است، ذات که بشکل همیشگی خیر عطا میدهد، و او پروردگار عالمیان است، ذات که آنها را آفریده است و نعمت های گوناگون را برای شان ارزانی فرموده است.

الله متعال میفرماید: (یکی از نشانه های قدرت الله متعال، شب و روز، آفتاب و مهتاب است، پس به آفتاب و

مهتاب سجده و عبادت نکنید، تنها به الله سجده کنید چون او آفریدگار آنهاست اگر شما واقعا وی را عبادت میکنید). [فصلت:37].

مفهوم کلی آیت:

الله متعال خبر میدهد که از جمله نشانه های که بوجود او تعالی دلالت میکند: شب، روز، آفتاب و مهتاب است؛ و از سجده کردن به آفتاب و مهتاب نهی نموده است؛ چون آنها مانند سایر مخلوقات آفریده شده اند، و شایسته نیست که به مخلوق عبادت صورت گیرد. سجده نوعی از عبادت است، الله متعال در این آیت و آیات دیگر مردم را امر می نماید تا تنها برای او سجده نمایند، چون وی پیدا کننده و مدبر و شایسته عبادت است.

نشانه دوم: او تعالی مرد و زن را آفریده است:

موجودیت مرد و زن دلیل بر موجودیت الله متعال است.

نشانه سوم:

گوناگون بودن رنگها و زبانها: دو شخص با یکنوع صدا و رنگ وجود ندارند، حتما فرقی در میان شان وجود دارد.

نشانه چهارم:

گوناگون بودن نصیب: این ثروتمند، این نادار، این رئیس، این زیر دست است، در حالیکه همه آنها دارای عقل، فکر و دانش هستند، و تلاش نمودند که ثروت، شرف و خانم زیبا بدست آورند، مگر کسی به جز آنچه که الله متعال برای وی مقدر ساخته است نمی رسد.

و این همه برای حکمت بزرگیست که الله (سبحانه) (۵) اراده آن را کرده است، و آن آزمایش مردم در مقابل

یکدیگر، و خدمت گذاری بر یکدیگر می باشد، تا اینکه مصلحت ها و منافع آنها ضایع نگردد.

کسیکه در دنیا صاحب نصیب نگردیده باشد، الله متعال خبر میدهد که نصیب آن بنده را در آخرت برایش ذخیره نموده است، و در نعمت های بهشت برایش افزوده میشود، مشروط بر اینکه در حال ایمان به الله از دنیا رحلت نموده باشد، با وجود اینکه الله متعال فقیر و نادار را در دنیا از خصوصیت های خوب جانی و تندرستی مستفید نموده است، در حالیکه این خصوصیت ها غالباً نزد ثروتمندان وجود نمیداشته باشد، این هم از حکمت و عدل الهی به شمار میرود.

نشانه پنجم:

خواب و دیدن رویای راستین که الله متعال انسان خوابیده را به نوعی از غیب و پوشیده‌ها مطلع می‌سازد، که بشکل هشدار و یا مژده اتفاق می‌افتد.

نشانه ششم:

روح: آن حقیقت که جز الله متعال کسی نمی‌داند.

نشانه هفتم:

انسان: و آنچه در جسم وی از حواس، نظام عصبی، مغز، نظام هاضمه و غیره می‌باشد.

نشانه هشتم:

الله متعال باران را به زمین فرود می‌آورد، نباتات و درختان با اشکال، رنگها، ذایقه‌ها و منافع گوناگون می‌رویند. این چند نمونه‌ی از صدها نشانه‌های است که

الله متعال آن را در قرآن کریم ذکر نموده است، و خبر داده است این همه نشانه ها بر موجودیت الله متعال دلالت میکنند و اینکه وی پیدا کننده و تدبیر کننده یی تمام موجودات است.

نشانه نهم:

فطرت سلیمی که الله متعال در مردم خلق نموده است باعث می شود که انسان به وجود الله متعال که خالق و مدبر او است معتقد شود، و کسیکه این حقیقت را انکار میکند در واقع نفس خود را فریب میدهد و سبب بدبختی خود میگردد. بگونه مثال: انسان کمونست (۶) در این دنیا بسیار سرگردان میباشد و سرانجام به علت دروغ بستن به الله متعال در قیامت به سمت جهنم سوق داده میشود، جزای تکذیب پروردگاری که وی را از عدم آفریده است، و نعمت های فراوان را برایش ارزانی فرموده

است مگر اینکه به الله رجوع کند و به او، و دین او،
و پیامبران او ایمان بیاورد.

نشانه دهم:

برکت بمعنی زیاد شدن در بعضی مخلوقات مانند
گوسفند ها ، و عکس برکت "فشل" می باشد که در سگ
ها و گربه ها است.



از جمله صفات الله متعال:

اول بدون ابتداء، همیشه زنده‌است نه میمیرد و نه پایان میابد، غنی و قائم به ذات خود می باشد، و به هیچ کسی نیاز ندارد، یگانه است و هیچ همتایی ندارد. الله متعال میفرماید: (1) بگو، الله یک است (2) الله بی نیاز است (3) نه کسی را زاده است و نه از کسی زاده شده است (4) و هیچ کس همتا او [نبوده] و نیست. [الإخلاص: 1-4].

مفهوم کلی آیات:

زمانی که کافران از خاتم پیامبران در مورد صفت الله پرسیدند؛ الله متعال این سوره را نازل فرمود، و برایش امر کرد که برای کفار بگوید:

الله یک است و همتا ندارد، الله همیشه زنده و مدبر است، حکمروای مطلق جهان هستی و تمام مخلوقات

بوده، و جهت رفع حاجات و مشکلات باید تنها به وی رو آورده شود.

نه کسی را زاده، و نه از کسی زاده شده، شایسته بی او نیست که پسر، دختر، پدر و مادر داشته باشد، بلکه تمام این موارد را در این سوره و در سوره های دیگر از خود نفی کرده است، چونکه تناسل و ولادت از صفات مخلوق میباشد. الله متعال گفته بی نصارا را رد نمود که میگفتند: مسیح پسر الله است، و گفته یهود را رد نمود که میگفتند: عزیز پسر الله است، و گفته بی دیگران که میگفتند: فرشته ها دختران الله هستند، الله متعال تمام این گفتارهای باطل را تقبیح نموده است.

الله متعال خبر داده است که وی مسیح عیسی (علیه السلام) را به قدرت خود از مادر بدون پدر آفرید، همانطوریکه آدم (علیه السلام) پدر تمام بشر را از خاک

آفرید، همانطوریکه حواء را از قبرغه یی آدم (علیه السلام) آفرید و آن را در کنار خود دریافت نمود، سپس فرزندان آدم را از آب مرد و زن آفرید.

در آغاز تمام چیزها را از عدم آفرید، سپس برای مخلوقات قوانین و نظام معینی را ترسیم نموده که در آن هیچ فردی جز الله متعال مداخله نمیتواند، و هرگاه الله متعال اراده بکند تا در نظام یاد شده تغییرات ایجاد کند، هر طوری که بخواهد تغییرش میدهد.

همانطوریکه عیسی (علیه السلام) را از مادر و بدون پدر آفرید، در حالیکه در گهواره بود با مردم حرف میزد، و همانطوریکه عصای موسی (علیه السلام) بشکل هژدهار زنده تبدیل شد، و زمانی که توسط عصا دریا را زد، دریا پاره گردید و سبب عبور موسی وقومش شد. برای رسول الله (صلی الله علیه وسلم) شق القمر (پاره شدن مهتاب)

صورت گرفت، و درختان برایش سلام میگفتند، چارپایان به صدای بلند به پیامبری اش گواهی میدادند: و میگفتند که من گواهی میدهم که تو فرستاده‌ای اله هستی، در یک شب توسط براق از مسجد الحرام به مسجد اقصی انتقال داده شد و سپس در همان شب همراه جبرئیل (علیه السلام) به آسمانها بالا رفت تا اینکه به بالای آسمانها قرار گرفت و در آنجا با اله متعال صحبت نمود، و بر وی نماز فرض را گردانید، دوباره به مسجد الحرام برگشته‌اند شد و در مسیر راه اهل تمام آسمانها را مشاهده نمود، این همه اتفاقات در یک شب قبل از طلوع آفتاب رخ داده است، داستان (اسراء و معراج) یکی از داستان های مشهور در قرآن و احادیث نبوی و کتابهای تاریخ میباشد.



از جمله صفات الله متعال که خود را به آن توصیف نموده و پیامبران هم الله متعال را به آن وصف نموده اند قرار ذیل است:

1- شنوایی، بینایی، علم، قدرت، اراده، همه چیز را می شنود و می بیند، هیچ چیز مانع شنیدن و دیدن وی شده نمی تواند.

هر آنچه در رحم ها هست و آنچه را سینه ها پنهان می کند، چیزیکه اتفاق افتیده و چیزیکه اتفاق میافتد به آن آگاه است، و او ذاتیست که اراده چیزی را بکند که بشو، میشود.

2- حرف زدن در هر زمان و با هر کسی که بخواهد: با موسی (علیه السلام) و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) حرف زده است، قرآن کریم حرف ها و معناهای گفتار الله متعال است، آن را بالای رسول الله (صلی الله

علیه وسلم) نازل نموده است. قرآن کریم یکی از صفات الله متعال است و مخلوق نیست چنانچه گمراهان معتزله (۷) معتقد استند .

3- وجه، دستان، بالای عرش قرار گرفتن، پایین آمدن (۸)، قهر و رضایت. الله متعال از بنده گان مومن خود راضی، و بالای کافران و مرتکبان گناه کبیره خشمگین می شود. رضایت و خشم الله متعال مانند بقیه صفات وی بوده، هیچ شباهتی با صفات مخلوق ندارد، و هرگز قابل تاویل و بیان کیفیت نمیباشد.

در قرآن و سنت نبوی ثابت شده است که مومنان در روز قیامت و در بهشت الله متعال را با چشمان خود نگاه میکنند.

صفات الله متعال در قرآن کریم و احادیث نبوی به شکل مفصل تذکر داده شده است، باید به آن مراجعه شود.



برای چیزی که الله متعال فرزندان آدم و جنیات را آفریده است:

ای عاقل! هرگاه فهمیدی که الله متعال تو را آفریده است، باید بدانی که الله متعال تو را بیهوده نیافریده، بلکه تو را برای عبادت خود آفریده است، الله متعال میفرماید: انس و جن را نیافریدم مگر برای عبادت خود. (۵۶) از آنان هیچ روزی و رزقی نمی خواهم و خواهان این نیستم که به من خوراک بدهند (۵۷) به یقین که الله روزی دهنده و نیرومند است. (۵۸) [الذاریات: 56-58].

مفهوم کلی آیات:

در آیت اول، الله متعال میفرماید: جنیات (۹) و فرزندان آدم را تنها برای عبادت خود آفریده است. و در آیات دوم و سوم میفرماید: که الله متعال از بندگان خود بی نیاز است، از آنها رزق و غذا طلب نمیکنند، چونکه الله

متعال روزی دهنده و نیرومند است، و هیچ رزقی نزد انسان ها و غیر انسان ها نیست مگر اینکه از جانب الله متعال برایشان داده شده است، او ذات است که باران را فرود میآورد و از زمین رزق و روزی را برون میآورد.

مخلوقات دیگری که در زمین زندگی میکنند، همه ی آنها را الله متعال جهت خدمت به انسان آفریده است، تا با استفاده از آنها طاعتش را بجا آورند، و با آنها طبق شریعت الهی رفتار نمایند. تمام مخلوقات، حرکت و سکون که در جهان وجود دارد بنابر حکمتی آفریده شده اند که الله متعال آن را در قرآن کریم بیان نموده است، و هر دانشمند و عالم بنا بر فهم و درک خویش آن را تعریف نموده است، حتی تفاوت سن، رزق، حوادث، و مشکلات به خواست و اراده یی الله متعال صورت میگیرد، تا بنده گان عاقل خود را امتحان نماید.

کسیکه به تقدیرات الهی تسلیم گردید و در راستای رضامندی الله گام بر دارد، رضایت الله را کسب مینماید، و سبب خوشبختی اش در دنیا و آخرت میگردد. اما کسیکه به تقدیرات الهی راضی و تسلیم نباشد، و اطاعتش را نکند، قهر و خشم الهی شامل حالش گردیده و بدبختی دنیا و آخرت نصیبش میگردد.

رضامندی الله را خواهانیم و از قهر و خشم او به ذات او پناه میبریم.



زنده شدن بعد از مرگ، محاسبه و پاداش

عملکردها، بهشت و دوزخ.

ای انسان عاقل! هرگاه فهمیدی که الله متعال تو را برای عبادت خود آفریده است؛ پس بدان که الله متعال در تمام کتابهای که بالای پیامبران نازل نموده است خبر داده است که تو را بعد از مرگ دوباره زنده میسازد، و پاداش کارکرد هایت را در روز جزا بعد از مرگ خواهد داد؛ چون انسان به وسیله مرگ از دیار عمل وفنا (زندگی دنیا) به دیار جزا و ابدیت میپیوندد. هرگاه انسان مدت تعیین شده از طرف الله را در دنیا به پایان برساند، الله متعال فرشته قبض ارواح را امر میکند تا روح انسان را از جسدش بیرون سازد، و بالآخره، انسان قبل از اینکه وفات نماید سختی مرگ را هنگام بیرون شدن روحش میچشد.

اگر شخص متوفی مومن و فرمانبردار الله باشد، روحش را الله متعال در باغ های بهشت قرار میدهد. ولی اگر شخص متوفی کافر به الله باشد، و از روز جزا و دوباره زنده شدن بعد از مرگ را دروغ بیندارد، الله متعال روحش را در آتش جهنم تعذیب میکند، و تا فرا رسیدن پایان زندگی دنیا روح آن مومن در نعمتها و روح آن کافر در عذاب میباشد، و هرگاه دنیا پایان یابد تمام مخلوقات که زنده هستند وفات میکنند، بجز ذات الله واحد. بعد از آن الله متعال تمام مخلوقات را زنده میسازد (حتی چهارپایان را)، و روح هر جسد را بار دیگر در آن میدمد، همانطوریکه در نخست آن را آفریده بود؛ تا برای محاسبه اعمال خویش آماده گردد، و هریک (اعم از مرد و زن، آمر و مامور، ثروتمند و فقیر) را بر اساس عملکردش پاداش و جزا بدهد، در آن جا بر هیچکس ظلم و ستم صورت نمیگیرد، حق مظلوم از ظالم گرفته میشود، حتی حق

چهارپایکه بالای آن ظلم شده باشد گرفته میشود. بعد از اینکه حق چهارپای (ستم دیده) گرفته شود، برایش گفته میشود به خاک تبدیل شو؛ چون چهارپایان به بهشت و یا به دوزخ داخل نمی شوند.

بنی آدم و جنیات را بر اساس عملکرد شان پاداش میدهد، کسانی که از الله و پیامبرانش پیروی نموده اند (اگر فقیرترین انسانها هم باشد) به بهشت داخل میشوند، و کسانی که به الله کفر ورزیده اند (اگر از اشراف و ثروتمندترین انسانها هم باشد) به دوزخ میروند، الله متعال میفرماید: (با عزت ترین شما نزد الله متعال پرهیزگارترین شما است، به راستی که الله دانا و با خبر است) [الحجرات:13].

اما بهشت: خانه یی نعمت هاست، در آن انواع گوناگون از نعمت ها است که هیچکسی قادر به وصف آن نیست،

در بهشت صد درجه وجود دارد، در هر درجه و منزلت باشندگانی وجود دارند، هر یک بر اساس قوت ایمان به الله و پیروی از اوامرش در درجات متفاوت قرار دارند. و برای ساکنین پایین ترین درجه در بهشت به اندازه یی نعمت داده میشود که چندین مرتبه از داشته های پادشاهان دنیا بیشتر میباشد. (۱۰)

جهنم: - خداوند ما و شما را از آن نجات دهد- سرای عذاب در آخرت بعد از مرگ است، در آن انواع گوناگون عذاب و شکنجه است که تذکر آن قلب ها میترساند و چشمان را میگیراند.

اگر در آخرت مرگ میبود، اهل دوزخ بمجرد نگاه به آن میمردند، مگر مرگ یک بار میاید تا انسان را از زندگی دنیا به زندگی آخرت انتقال بدهد. در قرآن کریم وصف

کامل مرگ، برانگیختن، محاسبه، پاداش، بهشت و دوزخ تذکر داده شده است، قبلا به این موارد اشاره یی داشتیم. دلایل زنده شدن بعد از مرگ، محاسبه و جزا زیاد است، الله متعال در قرآن کریم میفرماید: (شما را از آن (خاک) آفریدم، و شما را به آن برمیگردانم، و بار دیگر شما را از آن بیرون میسازم. [طه:55].

الله متعال میفرماید: به ما مانند و همسو قرار دادند در حالیکه خلقت خویش را فراموش نمودند، گفت چه کسی استخوانهای فرسوده را بار دیگر زنده میکند. [یس:78-79].

الله متعال میفرماید: (کسانیکه کفر ورزیده اند گمان کردند که برانگیخته نمیشوند، بگو آری، سوگند به پروردگارم که برانگیخته خواهی شد و بر عملکرد خویش

آگاه خواهی شد، و این کار بر الله آسان است).
[التغابن:7].

مفهوم کلی آیت ها:

1- در آیت اول: الله متعال خبر میدهد: اینکه وی انسان را از خاک آفرید، آن هم زمانی بود که پدرشان آدم (علیه السلام) را از خاک آفرید، و خبر میدهد که بعد از مرگ جهت تکریم و احترام آنها را بار دیگر به خاک میفرستد، و خبر میدهد که آنها را دو باره از خاک بیرون میکند، و از قبرهای شان زنده بیرون میشوند، نخستین انسانها تا آخرین آنها جهت محاسبه الهی قرار و مورد مجازات یا مکافات قرار میگیرند.

2- در آیت دوم: برای انسان کافر و منکر روز رستاخیز که چگونه برای استخوان های پوسیده زندگی میبخشد، الله متعال برایش میفرماید که وی استخوانها را دوباره زنده

میسازد، چون او ذاتی هست که استخوانها را از نیست خلق نمود.

3- در آیت سوم: الله متعال بر کافران بی باور به زندگی بعد از مرگ در برابر گمان نادرست ایشان را رد میکند، و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را امر میکند که برای ایشان سوگند تاکیدی یاد کند که گویا الله متعال ایشان را برمی انگیزد و پاداش هر آنچه را که در زندگی دنیا انجام داده اند برایشان داده میشود، و این کار برای الله متعال بسیار آسان است.

الله متعال در آیت دیگری میفرماید، هرگاه بی باوران و منکرین زنده شدن بعد از مرگ را دوباره زنده کردیم، آنها را در آتش جهنم عذاب میدهم، و برای ایشان گفته میشود: (بچشید عذابی را که آن را دورغ می پنداشتید).
[السجدة:20].

ثبت گفتار و پندار انسان:

الله متعال خبر داده است که وی از تمام گفتارها و پندارهای (خیر و شر، پنهان و آشکار) انسان از قبل آگاه بوده، و آن را قبل از آفرینش آسمان ها و زمین و انسانها و دیگر مخلوقات، نزد خود در لوح محفوظ نوشته نموده. و همچنان خبر داده است علاوه بر آن برای هر انسان دو فرشته (یکی در سمت راستش و دیگری در سمت چپ) موظف نموده است، فرشته یی سمت راست نیکی ها و فرشته یی سمت چپ بدی ها را نوشته میکنند، و هرگز خطای از ایشان سر نمیزند. و خبر میدهد که روز قیامت برای هر انسان عملنامه اش داده میشود که در آن تمام کار کردهایش گنجانیده شده میباشد، و برایش گفته میشود که عملنامه ات را بخوان، آنرا خوانده و از هیچ چیز آن انکار نمیتواند، هرگاه انکار کند، الله متعال

گوش، چشم، دستان، پاها، و پوست وی را به زبان میاورد، و به تمام گفتارها و پندارها مهر تصدیق میگذارند.

در قرآن کریم تفصیل آن تذکر داده شده است، الله متعال میفرماید: (انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر این که، فرشته ای مراقب و آماده برای انجام ماموریت (و ضبط آن) است. [ق:18].

الله متعال میفرماید: (قطعا بر شما نگهبانانی - گماشته شده - اند، فرشتگان بزرگواری که نویسندگان اعمال شما هستند، آنچه را می کنید می دانند).

[الانفطار:10-12].

شرح آیت ها:

الله متعال خبر میدهد که برای هر انسان دو فرشته گماشته است، یکی آن در سمت راست اش قرار دارد که

اعمال نیک وی را مینویسد و دیگری در سمت چپ اش قرار دارد که اعمال زشت او را مینوسد، و در دو آیت اخیر میفرماید: برای مردم فرشتگان بزرگواری گماشته است که تمام اعمال آنها را می نویسند و برای آنها توانایی های عطا نموده تا همه اعمال آنها را بدانند، و آن را طوری بنویسند بگونه ای که قبل از پیدایش آنها الله متعال آن را در لوح محفوظ نوشته بوده .

شهادت و گواهی:

گواهی میدهم که هیچ معبود بجز الله متعال لایق عبادت نیست، و گواهی میدهم که محمد فرستاده الله است، و گواهی میدهم که بهشت حق است، جهنم حق است، و قیامت بدون شک آمدنی است، و کسانی که در قبرها دفن هستند آنها را الله متعال برای حساب و جزا دو باره زنده میسازد، و همه چیزهای را که الله متعال در کتاب خود و

یا از طریق فرستاده اش (صلی الله علیه وسلم) بیان
نموده است حق است.

ای انسان عاقل! شما را به باور داشتن، اعلام آن و عمل
کردن به معنای آن، دعوت میکنم، چون همین یگانه راه
نجات است.



* فصل دوم *

* شناخت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) *

ای انسان عاقل! هرگاه فهمیدی که الله ذاتی هست که تو را آفریده است، و تو را برای پاداش اعمالت بار دیگر زنده میسازد، پس بدان که الله متعال برای تو و تمام مردم پیامبری فرستاده است، و به شما دستور داده تا از وی فرمانبرداری و پیروی کنید، و فرموده است که برای بندگی درست جز پیروی از پیامبر و شریعتی که فرستاده است راهی دیگری وجود ندارد.

و این پیامبر بزرگواری که ایمان داشتن و پیروی از وی برای همه واجب است، و فرستاده ای برای تمامی مردم، و آخرین پیامبران، شخصی که آموزش ندیده است، همانا محمد (صلی الله علیه وسلم) میباشد، شخصی که موسی و عیسی (علیهما السلام) به آن مژده داده بودند،

و قبل از دستکاری تورات و انجیل، یهودیان و نصرانیان آن را میخواندند، که در بیشتر از چهل جا تذکر داده شده بود. (۱۱)

پیامبر بزرگواری که الله متعال نبوت را به فرستادن وی پایان بخشید، و او را برای همه یی مردم فرستاد، همانا محمد فرزند عبد الله فرزند عبد المطلب هاشمی قرشی (صلی الله علیه وسلم) است، راستگوترین، و باعزت ترین فرد به باعزت ترین قبیله یی روی زمین منسوب بود، تسلسل نسبش به پیامبر الهی اسماعیل فرزند پیامبر الهی ابراهیم میرسد، و پیامبر خاتم النبیین سال ۵۷۰م در مکه به دنیا آمده است. در شبی که تولد میشد، و هنگام خروج از شکم مادرش، تمام جهان را روشنی بزرگ فرا گرفت، مردم را متعجب کرده بود، این رویداد ثبت کتابهای تاریخ شده است، بت های را که قریش می

پرستیدند همه فروریختند، قصر کسرا (پادشاه فارس) را تکان داد، که در نتیجه دهها طاقهای قصر فروریخت، و آتشی که فارسیان آن را می پرستیدند خاموش شد، در حالیکه همان آتش مدت دوهزار سال خاموش نشده بود.

این همه اعلامیست از جانب الله متعال برای باشندگان روی زمین جهت به دنیا آمدن خاتم النبیین (صلی الله علیه وسلم)، کسیکه بت های پرستش شده را ریزه ریزه میکند، اهل فارس و روم را به پرستش خدای یگانه، داخل شدن در دین بر حقش فرا میخواند، و هرگاه ابا ورزیدند در مقابل شان با پیروان و حامیان خود جهاد میکند، و آنها را بر کافران پیروز میگرداند، و دین خود را (که نور روی زمین است) پخش میکند.

در واقع این چیز است که پس از بعثت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اتفاق افتیده است.

الله متعال خاتم پیامبران رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را با شماری از ویژگی های در میان پیامبران برادرش مشخص ساخته است که از آنجمله:

اول: خاتم پیامبران است، بعد از وی پیامبر و نبی نیست.

دوم: عموم رسالت وی برای همه مردم است، تمام مردم امت محمد هستند، کسیکه از وی پیروی نماید وارد بهشت میشود، و کسیکه نافرمانی اش را بکند وارد جهنم میشود. حتی یهود و نصارا به پیروی از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) مکلف اند، هر که از وی پیروی نکند، وی به موسی و عیسی و به تمام انبیاء کفر ورزیده است. موسی و عیسی و تمام انبیاء (علیهم السلام) از انسانی که پیروی محمد (صلی الله علیه وسلم) را نکند بیزار هستند، چون الله متعال آنها (پیامبران) را فرمان داده است تا به آمدن وی بشارت دهند و امت خویش را

هنگامی که وی فرستاده شد به پیروی از وی (صلی الله وسلم) فرا بخوانند، چون دین محمدی همان دین تمام انبیاء قبلی است، کمال و آسانی دین را در زمان محمد (صلی الله علیه وسلم) قرار داده است. پس، برگزیدن دین غیر از اسلام بعد از بعثت رسول الله (صلی الله علیه) جایز نیست، چون آن دین کاملی است که توسط آن تمام ادیان قبلی منسوخ گردیده و دین نگهداری شده و محفوظ میباشد.

اما دین یهودیت و نصرانیت، ادیان تحریف شده یی هستند، آنچنان نیست که الله متعال آنها نازل نموده بود، پس هر پیرو محمد به مثابه یی پیرو موسی و عیسی و تمام انبیاء هستند، و هر که از اسلام خارج شود در واقع به موسی و عیسی و تمام انبیاء کفر ورزیده، هر چند خود را پیرو موسی و عیسی بیندارد!

بنابر این، گروهی از پیشوایان خردمند و عادل یهود و نصارا در امر ایمان به محمد (صلی الله و سلم) شتابیدند و اسلام را پذیرفتند.



معجزات (۱۲) رسول الله (صلی الله علیه وسلم):

دانشمندان سیرت معجزه های که به صدق رسالت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) دلالت میکند، بیشتر از هزار معجزه میدانند، از آن جمله:

1- مهر نبوت که الله متعال آن را میان دو چانه ایشان قرار داده بود، و در مهر (محمد رسول الله) بشکل زخ های روی جلد نوشته شده بود. (۱۳)

2- روز آفتابی فصل تابستان ابرها بالای سایه می افگند.

3- سنگ ها در دستانش حمد و ثناء، و درختان برایش سلام میگفتند.

4- اتفاقات غیبی که در آخر زمان رخ میدهد؛ و اینک همانگونه که فرموده اند یکایک رخ میدهد.

و این اتفاقات است که بعد از وفات رسول الله (صلی الله علیه وسلم) تا پایان این جهان رخ میدهد، تمام این امور غیبی را که الله متعال برایش اطلاع داده رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از آن خبر داده است، که در کتاب های حدیث و کتاب های نشانه های قیامت تحریر گردیده،: النهایة "لابن کثیر، وکتاب "الأخبار المشاعة في أشرط الساعة"، و"ابواب الفتن والملاحم" در کتابهای حدیث.

این همه معجزه ها شبیه معجزه های پیامبران قبلی بوده است.

مگر الله متعال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را به معجزه یی عقلی متمایز ساخته که هیچ پیامبر دیگر عطا ننموده است و تا پایان این جهان باقی میماند، که همانا قرآن کریم (کلام الله) میباشد، و نگهداری اش را الله

متعال بدوش گرفته است، و دست هیچ تحریف کننده‌ی به آن نمیرسد، حتی اگر سعی کند یک حرف آن را تغییر دهد، قادر نخواهد شد و حتما افشا میشود، در حالیکه میلیون‌ها نسخه‌ی از قرآن کریم در اختیار مسلمانان هست، مگر هیچ کدام از یکدیگر تفاوت ندارد، حتی به اندازه یک حرف هم باهم متفاوت نیست.

در حال نسخه‌ی تورات و انجیل باهم تفاوت دارند چون یهود و نصارا آن را دستکاری و تحریف نموده‌اند، در حالیکه الله متعال نگهداری آن را به آنها موکول کرده است. اما نگهداری قرآن کریم را به هیچ‌کسی واگذار ننموده است، الله متعال خود او کفالت نگهداری آنرا نموده است. الله متعال میفرماید: (ما قرآن را نازل کردیم و نگهداری آن را میکنیم) [الحجر: 9].

این دلیل عقلی است بر اینکه قرآن کریم کلام الله است و محمد فرستاده او میباشد.

دلیلی منطقی و عقلی دیگر بر اینکه قرآن کتاب الله و محمد فرستاده یی او است اینست که زمانی کفار قریش رسول الله را تکذیب نمودند - طوریکه پیامبران قبلی تکذیب شده بودند - و گفتند که قرآن کتاب الله نیست. الله متعال آنها را به چالش فراخواند که مانند قرآن بیاورند؛ در حالیکه قرآن به زبان آنها نازل شده بود و ایشان فصیح ترین مردم زمان خود بودند و در میان آنها ادیبان و مبلغین و شاعران چیره دست وجود داشت، همه یی آنها عاجز شدند.

سپس الله متعال از آنها خواست تا مانند ده سوره قرآن بیاورند، باز هم نتوانستند، سپس از آنها خواست تا مانند

قرآن یک سوره بیاورند، باز هم نتوانستند و ناتوانی خود را اعلام نمودند.

تمام انس و جن از این کار عاجز ماندند، اگرچه انس و جن باهم یکجا تلاش میکردند تا مانند قرآن چیزی بیاورند قادر نخواهند شدند.

الله متعال میفرماید: (بگو، اگر انس و جن با هم یکجا شوند تا مانند قرآن چیزی بیاوند، قادر نخواهند شدند، اگر یکدیگر را کمک و یاری هم نمایند). [الإسراء: 88].

اگر قرآن کریم سخنان محمد (صلی الله علیه وسلم) و یا کسی دیگر از مخلوق میبود، حتما

اهل زبان عربی و ادیبان به ساختن مانند قرآن قادر میشدند، مگر واقعیت این است که قرآن کتاب الله متعال است، سخنان الله متعال و جایگاهش در مقایسه با

سخنان بشر مانند بالا دستی الله متعال بالای تمام مخلوق است.

طوری که الله متعال مانند ندارد، حرف هایش هم مانند ندارد، بنابر این معلوم می شود که قرآن کریم کلام الله است، و محمد فرستاده او است؛ چون سخنان الله را جز فرستاده یی او کسی دیگر آورده نمی تواند، الله متعال می فرماید: محمد (صلی الله علیه و سلم) پدر هیچ یک از مردان شما نیست، لیکن او رسول خدا و خاتم انبیاء است، و خدا همیشه بر همه امور عالم و آگاه است. [الأحزاب:40].

الله متعال می فرماید: و تو را برای همه مردمان جز مرثده آور و هشدار دهنده نفرستاده ایم. ولی بیشتر مردم نمی دانند. [سبأ:28].

الله متعال می فرماید: و تو را جز رحمتی برای جهانیان
نفرستادیم. [الأنبياء: 107].

مفهوم کلی آیت ها:

۱. الله متعال در آیت اول می فرماید که محمد (صلی
الله علیه وسلم) فرستاده یی او است برای همه مردم، و او
آخرین پیامبر الله است و بعد از او پیامبری دیگر نمی
آید، ووی را بر پذیرفتن پیامش برگزیده و بعد از او
پیامبری دیگر فرستاده نمی شود، چون او می داند که
محمد شایسته ترین مردم برای این رسالت است.

۲. در آیت دوم الله متعال میفرماید: او پیامبر خویش
محمد (صلی الله علیه وسلم) را برای تمام مردم اعم از
سفید و سیاه، عرب و غیر عرب فرستاده است، و می
افزاید که بیشترین مردم حق را نمی دانند، بنابراین گمراه

و کافر شدند، بخاطر عدم پیروی ایشان از محمد (صلی الله علیه وسلم).

۳. در آیت سوم الله (متعال) محمد (صلی الله علیه وسلم) را مخاطب قرار می دهد و برایش خبر می دهد که او را برای تمام عالمیان رحمت فرستاده، و محمد (صلی الله علیه وسلم) رحمت الهی است که برای عالمیان ارزانی شده است، اگر کسی به وی ایمان بیاورد و از وی پیروی کرد در واقع رحمت خدا و بهشت را پذیرفته است. و کسی که به محمد ایمان نیاورد و از وی پیروی نکند، در واقع رحمت خدا را نپذیرفته و مستحق آتش دوزخ و عذاب دردناک می شود.

دعوت برای ایمان آوردن به الله و پیامبرش محمد (صلی الله و سلم):-

بنابراین ای انسان عاقل! شما را دعوت می کنم تا الله را به خدایی و محمد را به پیامبری پذیرفته و از وی پیروی کنید، و به شریعتی که از سوی الله برایش فرستاده شده عمل نمایید، و آن شریعت همانا دین اسلام است که مصدرش قرآن کریم و سنت پیامبر که خاتم المرسلین است می باشد، آن احادیث که از او ثابت شده باشد؛ چون الله (متعال) او را معصوم گردانیده و او به چیزی امر نمی کند مگر به چیزی که او را الله امر کرده باشد، و از چیزی منع نمی کند مگر از چیزی که الله منع کرده باشد، پس به کمال اخلاص بگو: ایمان آورده ام بر اینکه الله یگانه پروردگار و معبودم است، و بگو که ایمان آورده ام که

محمد فرستاده ای اوست و پیروی اش را بکنید؛ چون
همین یگانه راه نجات تو است.

الله متعال ما و شمارا توفیق و خوشبختی و نجات نصیب
کند... الهی آمین.

* فصل سوم *

* شناخت دین حق (اسلام) *

ای انسان عاقل! هرگاه فهمیدی که الله (متعال) پروردگاریست که تو را آفریده و روزی می دهد، و او پروردگار یگانه است که همتا ندارد، و تنها او را پرستش بکنید، و فهمیدید که محمد (صلی الله علیه وسلم) فرستاده او است برای شما و برای تمام مردم؛ پس بدان که ایمان تو به الله (متعال) و پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) درست نمی شود تا اینکه دین اسلام را درست نشناخته باشید و به آن ایمان نیاورده و عمل نکرده باشید؛ چون اسلام دین است که الله (متعال) آن را برگزیده و تمام پیامبران را به آن امر نموده است، و آخرین پیامبران محمد (صلی الله علیه وسلم) را برای تمام مردم فرستاد، و عمل به احکام آنرا بر آنان واجب گردانیده است.



شناختن اسلام

آخرین پیامبران و فرستاده یی الله متعال برای تمام مردم، محمد (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: اینکه گواهی دهید که هیچ معبود بر حق جز الله نیست، و محمد فرستاده او است، نماز را برپا نمایید، زکات را ادا نمایید، ماه رمضان را روزه بگیرید، و حج خانه یی خدا را در حال توانایی انجام دهید. (۱۴)

پس اسلام دین جهانی است که الله (متعال) همه مردم را به آن امر نموده است، و تمام پیامبران به آن ایمان آورده و تسلیمی خود را به احکام الهی اعلان کرده اند، و الله (متعال) آنها را دین حق اعلام نموده است، و هرگز دینی جز اسلام را نمی پذیرد، الله (متعال) می فرماید: (دین پذیرفته) نزد الله اسلام است (آل عمران: ۱۹). الله (متعال) میفرماید: (هر کس که غیر از اسلام دینی

اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نمی شود، و او در آخرت از زیانکاران است). (آل عمران: ۸۵).

مفهوم کلی دو آیت قبلی:

۱. الله (متعال) خبر می دهد که اسلام یگانه دینی است که نزد او قابل پذیرش است

۲. و در آیت دوم الله (متعال) می فرماید، از هیچ کسی بجز دین اسلام را نمی پذیرد، و یقیناً خوشبختان بعد از مرگ تنها مسلمانان هستند، و کسانی که به دینی غیر از اسلام می میرند در سرای آخرت زیان کاران هستند و در آتش جهنم عذاب را می چشند.

بنابر این، تمام پیامبران اسلام خویش را به الله (متعال) اعلام نمودند، و همچنان بیزاری خویش را از کسانی که اسلام را نپذیرفتند اعلام نمودند. یهودیان و نصرانیان اگر می خواهند راه سعادت و نجات را دریابند باید در دین

اسلام داخل شوند، و از پیامبر اسلام محمد (صلی الله علیه وسلم) پیروی نمایند؛ تا اینکه واقعا پیرو موسی و عیسی (علیهما السلام) دانسته شوند، چونکه موسی و عیسی و محمد و تمام پیامبران الهی مسلمانان بودند، و برای اسلام دعوت می نمودند؛ چون اسلام دینی است که الله (متعال) آنها را به آن فرستاده است، و بعد از بعثت آخرین پیامبران محمد (صلی الله علیه وسلم) تا پایان این جهان، هرگز دین و آیین کسی پذیرفته نمی شود بجز اسلام، و درست نیست که خود را به الله تعالی مسلمان بیندارد، و هرگز الله (متعال) دعوی مسلمان بودن را از وی نمی پذیرد مگر اینکه بمحمد فرستاده یی او ایمان بیاورد، و از وی پیروی کند و به احکام قرآن کریم که بر وی نازل شده است عمل نماید؛ الله (متعال) در قرآن کریم می فرماید: (اگر الله را دوست میدارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهان شما را

پیامرزد، به تحقیق که الله بخشاینده و مهربان است).
(آل عمران ۳۱)

مفهوم کلی آیت:

الله متعال به محمد (صلی الله علیه وسلم) امر میکند، برای کسانی که دعوی محبت الله را دارند بگویند: اگر واقعا شما الله را دوست دارید از من پیروی کنید، چون الله متعال هرگز شما را دوست نمیدارد و گناهان شما را نمی‌آمرزد، تا زمانی که به فرستاده اش ایمان نیاورید و از وی پیروی نکنید.

اسلامی که آن را الله متعال توسط پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) برای تمام مردم ارسال نموده، همانا اسلام کامل، فراگیر و آسان است، دین است که آنرا الله متعال تکمیل نموده و برای بندگان آنرا برگزیده است، و بجز از آن دین دیگر را نمیپذیرد، دینیست که تمام پیامبران به

آن ایمان داشته اند و به آن مژده داده بودند، الله متعال در قرآن کریم میفرماید: (امروز دین تان را برای شما تکمیل نمودم، و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را منحیث دین برای شما برگزیدم). (المائدة: ۳)

مفهوم کلی آیت:

الله متعال این آیت را دقیقا زمان نازل نمود که خاتم پیامبران (صلی الله علیه وسلم) با مسلمانان در میدان عرفات (حجة الوداع) حضور داشتند و مشغول دعا و نیایش بودند، و این اتفاق در اواخر زندگی محمد (صلی الله علیه وسلم) بعد از پیروزی وی، انتشار اسلام و پایان یافتن نزول قرآن کریم رخ داده است.

الله متعال خبر میدهد که دین مسلمانان را برایشان تکمیل نمودم، به بعثت محمد (صلی الله علیه وسلم) نزول قرآن کریم پایان یافته و نعمت خود را برای ایشان

تمام نمودم، و اسلام را منحیث دین برای ایشان برگزیدم،
و از آن ناراض نبوده و هرگز بجز اسلام دین دیگر را
نمیپذیرد.

و میافزاید، اسلام که محمد (صلی الله علیه وسلم) را به
آن فرستاده است برای تمام مردم میباشد، و آن دین کامل
و فراگیر، و مورد استفاده در هر زمان و مکان و تمام مردم
میباشد، اسلام دین دانش، آسانی، عدالت، خیر، روش
درست و واضح کامل در تمام امور زندگی می باشد. اسلام
دربگیرنده یی دین و دولت است، در آن قوانین حقیقی
حکم، قضاء، سیاست، جامعه، اقتصاد، و هر آنچه مردم
در زندگی دنیوی به آن نیاز دارند، و همچنان در اسلام
سعادت دنیا و آخرت مردم نهفته است.



ارکان اسلام

دین کاملی را که الله متعال توسط محمد (صلی الله علیه وسلم) فرستاده است، به پنج پایه یی بنیادین استوار است، و هیچ انسانی مسلمان محسوب نمیشود تا اینکه بر آن ایمان نیاورده و به آن عمل ننماید، و آن قرار ذیل است:

۱- اینکه گواهی بدهد که هیچ معبودی بر حق جز الله نیست، و محمد فرستاده یی او است.

۲- نماز برپا نماید

۳- زکات پرداخت نماید

۴- ماه رمضان را روزه بگیرد

۵- در حال توان حج بیت الله الحرام را انجام دهد (۱۵)

پایه اول:

گواهی بر اینکه هیچ معبود برحق جز الله نیست، و محمد فرستاده یی او است.

این گواهی معنی و مفهوم دارد که فرد مسلمان آن را باید بداند و بر مقتضای آن عمل نماید، ولی کسیکه تنها این گواهی را به زبان میآورد، معنی و مفهوم آن را نمیداند و بر آن عمل نمی نماید، از این نوع گواهی سودی نمیبرد.

معنی (لا إله إلا الله): اینکه هیچ معبود برحق در زمین و آسمان جز الله نیست، و او معبود برحق است، و تمام معبودان دیگر جز او باطلند. معنی (إله) معبود است.

کسیکه جز الله کسی دیگر را میپرستد، کافر و به الله شرک ورزیده است، هر چند معبود وی پیامبر و یا ولی هم باشد، و لوکه جهت نزدیکی و توسل جستن به الله هم باشد؛ چون مشرکین را که رسول الله (صلی الله علیه

وسلم) با آنان جنگ نمود انبیاء و اولیا را جز به همین دلیل عبادت نمی کردند، در حالیکه آن دلیل ایشان باطل و مردود بود؛ چون نزدیکی جستن به الله متعال از راه پرستش غیر الله صورت نمیگیرد، بلکه توسط نام ها و صفات نیک الله متعال، و کارهای پسندیده یی که به آن امر نموده مانند، نماز، صدقه، ذکر، روزه، جهاد، حج، نیکی با والدین، و دعای برادر مومن که در قید حیات باشد برای برادر مومن، قابل دریافت است.

عبادت انواع گوناگون دارد، که از آن جمله :

۱- دعاء

دعاء، بمعنی خواستن چیزهایی که جز الله متعال کسی دیگر به انجام دادن آن قادر نباشد مانند، فرستادن باران، شفای بیمار، رهایی از مشکلاتی که رهایی از آن در توان

مخلوق نباشد، خواستن بهشت، نجات از جهنم، خواستن فرزندان، رزق و خوشبختی، و امور دیگر.

این همه امور بجز الله از کسی دیگر خواسته نمیشود، اگر از مخلوق (زنده و یا مرده) خواسته شود، در واقع وی را پرستش کرده است، چون الله متعال بندگان خود را تنها به دعاء و عبادت خود فرا خوانده است، و تاکید میکند که دعاء از جمله عبادات محسوب میشود، هر که آن را به غیر از الله راجع بسازد، مستحق دوزخ میشود. الله متعال میفرماید: (پروردگار تان میگوید مرا فرا بخوانید تا دعای تان را اجابت کنم، کسانی که از عبادت برای من امتناع می ورزند وارد جهنم میشوند). (غافر: ۶۰).

همچنان الله متعال خبر میدهد که، هر آن که جز من پرستش میشوند، برای کسی سود و زیان رسانیده نمیتوانند، حتی اگر پیامبر و یا اولیاء هم باشند. (بگوبه

این مشرکین که بخوانید کسانی را که گمان میکنند از غیر الله پس اینها مالک نیستند برطرف کنند ضرری را از شما یا تبدیل به نفع کنند یا به دیگر متوجه کنند)
(الاسراء: ۵۶ و آیت بعد آن)

الله متعال میفرماید: (مساجد برای الله متعال است پس هیچ کس را با الله مخوانید). (الجن: ۱۸).

۲- ذبح، نذر، و تقدیم نمودن قربانی و ذبیحه:

به هیچ صورت نزدیکی جستن بواسطه یی خون، و قربانی، و نذر گرفتن بجز برای الله متعال برای کسی دیگر جواز ندارد، کسی که برای غیر الله (مانند برای گاو و جن ذبح بکند) در واقع عبادت غیر الله را انجام داده است و مستحق لعنت و نفرین الله قرار میگیرد، الله متعال میفرماید: (بگو همانا نماز و طاعت و تمام اعمال

من و زنده شدن و مردن من همه برای الله است که پروردگار جهانیان است). (سوره انعام ۱۶۳-۱۶۴)

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: (الله لعنت کند کسی را که برای غیر الله ذبح نماید) (۱۶)

اگر انسانی بگوید: "از فلان بالایم نذر باشد اگر این چنین چیزی برایم اتفاق افتد به این پیمانہ صدقه میدهم و یا این کار را انجام میدهم، اینگونه نذر شرک ورزیدن به الله است، چونکه این نذر برای مخلوق است، و نذر عبادتست که انجام دادن آن به غیر الله نباید صورت گیرد. نذر گرفتن مشروع اینست که گفته شود: از الله بالایم نذر باشد اگر چنین اتفاقی برایم رخ دهد به این پیمانہ صدقه بدهم و یا این نوع طاعت را انجام دهم".

۳- طلب کمک، استعانت و پناه جستن (۱۷):

پس هرگز بجز از الله یگانه از کس دیگر طلب این چنین کمک و پناه جستن جایز نیست، الله متعال در قرآن کریم میفرماید: (تنها تو را میپرستیم و تنها از شما طلب کمک میکنیم). (سوره فاتحه: ۵).

الله متعال میفرماید: (بگو پناه میبرم به پروردگار سپیده دم) (از شر آنچه آفریده است). (سوره الفلق: ۲-۱) و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: (از من طلب کمک نمی شود، بلکه از الله طلب کمک میشود). (۱۸).

همچنان میفرماید: هرگاه چیزی طلب مینمایی از الله بطلب، و هرگاه طلب اعانت میکنی از الله طلب کن). (۱۹)

از انسان زنده و حاضر میتوان در اموری که توان انجام دادن آن را داشته باشد، طلب کمک و استعانت کرد، مگر پناه جستن تنها به الله متعال صورت میگیرد. به کسانی که مرده و یا غائب هستند از آنان طلب کمک و استعانت صورت نمیگیرد، چون آنان هیچ چیز را در اختیار ندارند، و لو اگر پیامبر، ولی و یا پادشاه باشد.

امور غیبی را جز الله کسی دیگر نمیداند، کسیکه دعوی علم غیب نماید وی کفر ورزیده و باید تکذیب گردد، حتی اگر چیزی را پیشبینی کرد و اتفاق افتید، شاید از لحاظ تصادف اتفاق افتیده باشد؛ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: کسیکه نزد فالبین، کف شناس و ستاره شناس برود، و او را در آنچه می گوید تصدیق کند، به هر آنچه بالای محمد نازل شده کفر ورزیده است. (۲۰)

توکل، و امید (۲۱) و خشوع: انسان بجز به الله توکل نمی کند و بجز از الله متعال امید نمی داشته باشد و خشوع و انکساری بجز به الله متعال نمی کند.

چیزیکه مایه یی تاسف است، اینست که کسان زیادی که خود را به اسلام منسوب میکنند، به الله شرک می ورزند، بزرگان زنده و مرده را فرا میخوانند، در اطراف قبر آنها طواف میکنند و از آنها خواسته های خود را می طلبند، در حالیکه این همه عبادت غیر الله است که در واقع انجام دهنده ی آن مسلمان شمرده نمیشود، هر چند دعوی مسلمان بودن را بکند، و کلمه یی توحید را به زبان بیاورد، نماز بخواند و روزه بگیرد و حج بیت الله را انجام دهد، الله متعال میفرماید: (برای تو (ای محمد) و کسانی که قبل از تو (پیامبران) بودند وحی نمودیم، اگر

شرک ورزیدید اعمال شما فرو ریخته میشود، و از جمله خسارت مندان خواهید شد). (الزمر: ۶۵).

همچنان میفرماید: (کسیکه به الله شرک بیاورد، الله بالایش بهشت را حرام میگرداند و جهنم جایش خواهد بود، و برای ستمگاران کمک رسان نخواهد بود).

(المائدة: ۷۲).

الله متعال برای پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) امر می کند تا برای مردم بگوید: (بگو، من مانند شما انسان هستم، برای من وحی شده است که معبود شما یکی است، کسیکه خواستار ملاقات پروردگارش باشد، کار نیک و شایسته انجام دهد و هیچ کسی را در عبادت با پروردگارش شریک نسازد). (الکھف: ۱۱۰).

این دسته از جاهلان را علمای گمراه فریب داده اند، علمای که بعضی مسایل فرعی را آموخته اند ولی از پایه

های اساسی اسلام که توحید است بی خبر هستند، لهذا؛ مردم را بسوی شرک و گمراهی دعوت میکنند. معنی شفاعت و وسیله را درست درک نمیکنند، دلایلی را که برای تفسیر و تاویل آن بیان میدارند همه آنها از احادیث دروغین (قدیم و جدید) و گمراه کننده یی که آن را به رسول الله (صلی الله علیه و سلم) منسوب مینمایند، داستان ها و رویاهای که شیطان برای ایشان ترسیم نموده، و غیره امور گمراه کننده یی که در کتاب های خویش جا داده اند، برای اینکه عبادت غیر الله را برای خود تثبیت کنند، جهت پیروی از شیطان و هوای نفس، و تقلید کورکورانه از پدران و نیاکان، مشابه به حال و وضعیت مشرکان قبلی می باشد.

وسيله یی که الله متعال ما را به دنبال نمودن آن امر نموده است **(وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)** [المائدة: 35]،

همان اعمال نیک و صالح است، مانند: یگانه پنداشتن
 الله، نماز، صدقه، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و
 نهی از منکر، صله یی رحم، و غیره امور پسندیده. ولی
 فرا خواندن مرده گان و از آنها هنگام سختی ها کمک
 خواستن، این خود نشان دهنده یی عبادت غیر الله است.
 ما به شفاعت پیامبران و اولیاء الله و دیگر مسلمانانی که
 الله متعال برای ایشان اجازه یی شفاعت را داده است،
 ایمان و باور داریم، ولی شفاعت از مرده گان خواسته
 نمیشود؛ چون شفاعت حق الله متعال است و برای
 هیچکسی داده نمیشود مگر اینکه الله متعال بخواهد، و
 انسان یکتاپرست از الله متعال اینگونه شفاعت را
 میطلبد: ای الله! پیامبر و بندگان نیک ات را برایم شفیع
 بگردان، و هرگز نمیگوید که ای فلانی شفاعتم را بکن؛
 چون او مرده است، و از انسان مرده هرگز چیزی خواسته

نمیشود؛ الله متعال میفرماید: (بگو، شفاعت از آن الله است، چیزی که در آسمان و زمین است از آن الله است، و بازگشت همه بسوی اوست). (الزمر: ۴۴).

همچنان از بدعت ها و نو آوری های که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در احادیث صحیح بخاری و مسلم و در کتابهای سنن از آن نهی کرده است بنا نمودن مساجد و گنبدها بالای قبرها، آراسته، مرمت، نوشتن، هموار کردن پرده و پارچه ها بالای قبرها، و ادای نماز در مقبره ها می باشد. همه ای این اعمال را رسول الله (صلی الله علیه وسلم) منع کرده است، چون این نوع اعمال بزرگترین اسباب عبادت صاحبان قبر محسوب میشود.

بنابر این روشن گردید، کارهایی را که شماری از گمراهان در بیشتر کشورها در نزد قبرها انجام میدهند مانند: قبر بدوی و سیده زینب در مصر، قبر جیلانی در عراق،

قبرهای منسوب به آل البیت (رضی الله عنهم) در نجف و کربلا در عراق، و در قبرهای دیگر که در اطراف آن طواف صورت میگیرد و از صاحبان آن نیاز خویش را میخواهند، و معتقد اند که صاحبان این قبرها نفع و ضرر میرسانند، تمام این عملکردها شرک ورزیدن به الله محسوب میشود.

بدون شک، آنها با این عملکرد شان مشرکان و گمراهان هستند، اگرچه دعوی مسلمان بودن را بکنند، و نماز بخوانند، روزه بگیرند، حج بیت الله را انجام دهند، و کلمه توحید (لا إله إلا الله محمد رسول الله) را به زبان بیاورند. انسان موحد و خدا پرست پنداشته نمیشود تا اینکه معنای این کلمه را درست نداند و بر مقتضای آن عمل نکند - طوریکه قبلا تذکر داده شد-، لیکن غیر مسلمان با گفتن کلمه یی توحید در اسلام داخل میشود،

و میتوان وی را مسلمان خطاب کرد، تا زمانی مسلمان پنداشته میشود که در اعمالش امور شرکی ملاحظه نگردد، مانند جاهلان که قبلا تذکر داده شد و یا بعد از اینکه فرایض اسلام برایش توضیح داده شود از آن رو گرداند، و یا به دین غیر اسلام گرایش داشته باشد.

پیامبران و اولیاء الله (۲۲) از کسانی که آنها را فرا میخوانند بیزار هستند، چون بعثت پیامبران دعوت مردم بسوی عبادت الله، و دوری از عبادت پیامبران و اولیاء الله بوده است.

محبت با رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و اولیاء الله در پرستش آنها نیست، چونکه عبادت آنها دشمنی با آنها است، بلکه محبت با ایشان در پیروی و تعقیب راه و مسیر آنها است. مسلمان واقعی پیامبران و اولیاء الله را دوست دارد، مگر هرگز آنها را پرستش نمیکند.

ما به این باور هستیم که محبت با رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بالای ما فرض است، حتی بیشتر از دوست داشتن خود، خانواده، فرزندان و تمام مردم.



گروه ناجیه (نجات یابنده)

مسلمانان تعداد زیاد هستند و در حقیقت کمتر به نظر میرسند، و تعداد گروه های که منسوب به اسلام هستند به ۷۳ گروه میرسد، تعداد اعضای آن به بیشتر از هزار میلیون میرسد (۲۳)، مگر گروه مسلمانان واقعی یکی است، آن هم گروهی که به وحدانیت الله متعال ایمان داشته و مسیر درست رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و صحابه پی کرام را در عقیده و کارهای نیک دنبال میکنند، همانطوریکه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برای ما خبر داده است: (یهودان به هفتاد و یک گروه، و نصاری به هفتاد و دو گروه تقسیم شدند، و این امت به هفتاد و سه گروه تقسیم خواهند شد، تمام آنها در جهنم میباشند به استثنای یک گروه) صحابه پرسیدند: ای رسول خدا آن یک گروه کدام هست؟ فرمود: (آنانی که

بر مانند آنچه باشند که امروز من و یارانم (صحابه) هستیم. (۲۴).

آنچه که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و صحابه پی کرام بودند، عقیده بر معنی (لا إله إلا الله محمد رسول الله)، عمل بر مقتضای آن، تنها از الله طلب کردن، و تنها بنام الله ذبح و نذر کردن، و طلب کمک و استعانت و پناه بردن به الله، نفع و ضرر از جانب الله، عملی نمودن ارکان اسلام به اخلاص در عبادت الله، تصدیق فرشته گان، کتابها، پیامبران، برانگیخته شدن بعد از مرگ، محاسبه، بهشت و دوزخ، تقدیر خیر و شر از جانب الله متعال است بود. در تمام امور به قرآن و سنت فیصله کردن، و رضامندی از حکم قرآن و سنت، دوستی با اولیاء الله، دشمنی با دشمنان الله، دعوت بسوی الله و جهاد در راه الله، و توافق بر اساس فیصله های قرآن و

سنت، فرمانبرداری از امیر و زعیم مسلمان اگر به نیکی امر نماید، گفتار حق در هر جا و منصبی که قرار داشته باشند، محبت با همسران و اهل بیت و صحابه پی رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، و بزرگ پنداشتن آنها بر اساس فضیلت و جایگاه ایشان، و برای همه ایشان از خداوند رضایت خواستن، و دوری از اختلافات که در میان ایشان رخ داده بود (۲۵)، عدم تصدیق منافقین در طعنه زدن صحابه بر یکدیگر، همان طعنه های که سبب جدایی و دوری مسلمانان از دیگر میشود، چون علماء و تاریخ نویسان آنها فریب خوردن، و آن را از حسن نیت در کتابهای خود ثبت کردن، در حالیکه واقعیت نداشت.

و کسانی که خود را منسوب به آل البیت میدانند، در مورد صحت نسب خویش تحقیق کنند، چون الله متعال نفرین نموده است کسی که خود را منسوب به کسی بکند که

پدرش نباشد، هرگاه نسب ایشان تثبیت شد باید به رسول
الله (صلی الله علیه وسلم) و اهل بیت اش در یگانه
پنداشتن الله متعال در عبادت، ترک کردن گناهان، عدم
رضایت به سر خم کردن مردم برای ایشان، و بوسیدن
زانوان و پاهای ایشان اقتدا نمایند، و خود را با لباس
مخصوص از بقیه برادران مسلمان متمایز نسازند، چون
این همه خلاف آن است که رسول الله (صلی الله علیه
وسلم) بر آن باور داشت، و ایشان از این همه کارهای
ناپسند بیزار است، چون معیار عزت نزد الله تقوا است.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وسلّم تسلیماً.



حکم و قانونگذاری ویژه‌ی الله متعال است، هر جا که شریعت اسلامی باشد، عدالت، مهربانی و فضیلت وجود داشته می‌باشد.

معنی (لا اله الا الله) که به مقتضای آن باید عقیده داشته و عمل نماییم: اینکه حکم و قانونگذاری مخصوص الله متعال می‌باشد، و انسانان در هیچ مورد صلاحیت قانون گذاری خلاف شریعت اسلامی را ندارند، و فیصله های مسلمان نباید در تضاد با حکم الهی باشد، و در برابر حکم و فیصله های مخالف شریعت نباید راضی باشد، و حلال نمودن حرام الهی برای هیچ کسی جواز ندارد، اگر کسی آگاهانه و عمدی آن را انجام دهد به الله کفر ورزیده است. الله متعال میفرماید: (کسی که به شریعت الهی فیصله نکند آنها کافر اند). (مائده: ۴۴)



مسئولیت های پیامبرانی که از طرف الله متعال فرستاده شده اند

دعوت بسوی کلمه یی توحید (لا اله الا الله) و به مقتضای آن عمل میباشد، که همانا پرستش الله متعال و رهایی از عبادت و شریعت مخلوق، و عبادت و شریعت خالق یگانه یی که هیچ شریک و همتای ندارد.

کسیکه قرآن کریم را به تفکر و دوری از تقلید کورکورانه تلاوت نماید، چیزی را که ارایه نمودیم درست درک مینماید، و مرز پیوند انسان با الله و مخلوق را بهتر می فهمد.

پیوند خالق با مخلوق را طوری می سازد که خالق را با تمام انواع عبادات پرستند، و هیچ نوع عبادت را برای غیر الله انجام ندهند، و پیوند انسان با پیامبران و بنده گان نیک را در دوستی که منجر به دوستی با الله گردد و

همچنان در پیروی از آنان تعیین نموده است، و پیوند با دشمنانش را در دشمنی با آنها تعیین نموده است؛ چونکه الله متعال آنها را دوست نمیدارد و با ایشان دشمنی میورزد. با وجود این همه آنها را به دین اسلام فرا بخوانند و اسلام را بشکل درست برای آنها توضیح دهند تا باشد راهیاب گردند، و هرگاه اسلام را نپذیرفتند و به شریعت الهی تمکین نمودند با آنها جهاد نمایند؛ تا ریشه‌ی فتنه چیده شده و دین تنها از آن الله باشد. پس این معنای کلمه‌ی توحید میباشد و لزوماً باید تمام مسلمانان آن را درست بفهمند، و بر مقتضای آن عمل نمایند؛ تا از جمله‌ی مسلمانان واقعی محسوب گردند.



معنی گواهی دادن (محمد رسول الله)

معنی گواهی دادن اینکه محمد فرستاده یی الله است، اینست که بدانی و باور داشته باشید که محمد فرستاده یی الله برای تمام مردم است، و او بنده یی است که نباید عبادت او شود، و فرستاده یی است که نباید دروغ پنداشته شود، بلکه از وی پیروی و اطاعت شود. کسیکه وی را اطاعت نماید وارد بهشت میگردد، کسیکه نافرمانی اش را نماید وارد جهنم میشود. و باید بدانید و باور داشته باشید که تمام احکام، قوانین، حرام و حلال که از طرف الله بوده باشد در رابطه به عبادت تنها از طریق پیامبر اسلام محمد (صلی الله علیه وسلم) صورت میگیرد؛ چون وی مسوول تبلیغ شریعت الهی میباشد، و برای مسلمان پذیرفتن شریعتی که از سوی کس دیگر آمده باشد جواز ندارد.

الله متعال میفرماید: (چیزی را که پیامبر برای شما آورد آن را بپذیرید و از آنچه شما را منع نمود دوری بجوئید، از الله بترسید، چونکه الله سخت عذاب دهنده است).
(الحشر: ۷)

الله متعال میفرماید: (نه چنین نیست، قسم به الله تو که این ها - به حقیقت - اهل ایمان نمی شوند مگر آنکه در خصومت و نزاع شان تنها تو را حَکَم - داور - قرار دهند و آنگاه به هر حکمی که کنید اعتراض نداشته، کاملاً - از دل و جان - تسلیم فرمان تو باشند). (سوره نساء: ۶۵)

معنای دو آیت قبل:

۱- در آیت اول الله متعال تمام مسلمانان را فرمان می خواند که از او امر پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) پیروی نموده، و از آنچه که نهی می کند امتناع ورزند؛ چون امر و نهی او به فرمان الله متعال می باشد.

۲- در آیت دوم الله متعال به ذات پاک خویش سوگند یاد می کند که هرگز ایمان فرد به الله و پیامبرش پذیرفته نمی شود تا اینکه هنگام اختلاف، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را حَکَم و فیصله کننده قرار ندهد (۲۶)، سپس به فیصله یی او راضی باشد. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (اگر کسی از شما کاری را انجام دهد که در شریعت ما نباشد آن کار مردود است). (۲۷)



نداء

ای انسان عاقل! اگر معنی لا اله الا الله محمد رسول الله را فهمیدی و درک کردی که این گواهی کلید اسلام و پایه‌ی است که بر آن استوار می‌باشد، پس با کمال اخلاص بگو: گواهی می‌دهم اینکه جز الله معبود برحق نیست، و گواهی می‌دهم اینکه محمد فرستاده‌ی اوست. و بر بنیاد این گواهی عمل نما؛ تا خوشبختی دنیا و آخرت نصیب گردیده و از عذاب الله که بعد از مرگ برایت می‌رسد، خود را نجات دهی.

و بدان که از جمله مقتضیات شهادت به لا اله الا الله، عمل به ارکان متباقی اسلام است؛ چون الله متعال این ارکان را بالای هر مسلمان فرض گردانیده است تا بگونه‌ی راستین و اخلاصمندی کامل او را پرستش نمایند، و هر کسی یک رکن آن را بدون عذر شرعی ترک نماید و یا

به معنی "لا إله إلا الله" اخلاص نماید، شهادت او درست
نیست.



رکن دوم اسلام: نماز است.

ای انسان عاقل بدان که! رکن دوم از ارکان اسلام نماز است، الله متعال نماز را در شبانه روز پنج بار بالای بندگان خویش فرض گردانیده است؛ تا وسیله یی ارتباط بین الله و بنده اش باشد. از طریق آن با الله مناجات می کند و او را فرا می خواند، همچنان تا اینکه منع کننده مسلمان از فحشا و منکرات بوده، و با برپا داشتن نماز، راحت روحی و بدنی برای انسان دست بدهد که سبب خوشبختی دنیا و آخرت او می گردد.

الله متعال برای ادای نماز طهارت و پاکیزه گی بدن، لباس، و جایی که در آن نماز ادا می شود را مشروع گردانیده است. انسان مسلمان با آب پاک خود را از نجاست مانند: ادرار و مواد غایطه پاک می سازد، تا

اینکه بدنش از نجاست حسی، و قلبش از نجاست معنوی پاک شود.

نماز ستون دین و با ارزش ترین رکن از ارکان اسلام بعد از شهادتین است؛ از سن بلوغ تا دم مرگ مسلمان به محافظت از آن مکلف است، فرزندان و خانواده ی خویش را از سن هفت سالگی به ادای نماز امر نماید، تا از سنین کودکی بر آن عادت بگیرند، الله متعال می فرماید: (بی گمان نماز در اوقات مشخص و معینی بر مومنان فرض است). (نساء: ۱۰۳)

الله متعال می فرماید: (و به آنها دستور داده نشده بود جز اینکه الله را پرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز برپا دارند و زکات را پردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار). (البینه: ۵)

مفهوم کلی دو آیت قبله:

۱- در آیت اول الله متعال به فرض و قطعی بودن نماز بر مومنان تأکید می کند تا آن را باید در اوقات معینش برپا بدارند.

۲- در آیت دوم الله متعال بر چیزی که مردم را امر نموده است، و آن سبب خلقت ایشان میباشد اینست که تنها او را پرستند، و عبادت را مخصوص او نمایند، نماز را برپا و زکات اموال خویش را برای مستحقین بپردازند.

در تمام حالات برپا داشتن نماز بر مسلمان واجب است، حتی هنگام ترس و بیماری، تا حد توان و بگونه‌ی که امکان پذیر باشد نماز را برپا بدارد، اگر که ایستاده، یا نشسته و یا به پهلو باشد، حتی توسط اشاره چشم و قلب هم می توان نماز را برپا داشت، چون رسول الله (صلی الله علیه وسلم) خبر می دهد که تارك نماز مسلمان

نیست (خواه مرد باشد و یا زن)؛ ایشان می فرماید:
(پیمانی که میان ما و آنها هست، نماز است، کسی که آن
را ترک کند، کافر می شود) (۲۸)

نماز های پنجگانه قرار ذیل است:

نماز فجر، نماز ظهر، نماز عصر، نماز شام، نماز عشاء.
زمان نماز صبح (فجر) از ظهور روشنایی صبح از سمت
مشرق آغاز می شود، و هنگام طلوع خورشید خارج می
گردد، تاخیر ادای نماز صبح در آخر وقت آن جواز ندارد.
و زمان نماز پیشین از زوال خورشید آغاز شده تا اینکه
سایه ی درازای چیزی به اندازه ی خودش باشد. زمان
نماز دیگر بعد از پایان یافتن نماز پیشین آغاز شده تا
اینکه خورشید زرد گردد، تاخیر ادای نماز عصر در آخر
وقتش جواز ندارد، تا زمانی که خورشید سفید و روشن
باشد نماز عصر ادا گردد. زمان نماز شام بعد از غروب

خورشید آغاز و به پنهان شدن شفق سرخ پایان می یابد، و تاخیر ادای آن جواز ندارد. زمان نماز عشاء به پایان یافتن وقت نماز شام آغاز و تا پایان شب ادامه میابد، و نباید از آن به تاخیر بیافتد.

اگر کسی در ادای یک وقت نماز بدون مانع شرعی خارج از اراده تاخیر کند، در حقیقت مرتکب گناه بزرگ شده است، و از الله طلب عفو نماید و بار دیگر آن را تکرار نکند، چون الله متعال می فرماید: هلاکت باشد برای نماز گزاران (۴) آنعه کسانی که در ادای نماز خود سهل انگاری میکنند (۵) (ماعون: ۴-۵)



احکام نماز

نخست: طهارت و پاکیزه گی

قبل از اینکه مسلمان به ادای نماز پردازد باید طهارت داشته باشد؛ نخست مخرج (مخرج ادرار و مواد غایطه) خود را پاک کند، سپس وضوء بگیرد.

وضوء: در قلب خویش نیت طهارت را بکند و نیت را به زبان نیاورد، چون الله متعال از عملکرد بنده خود آگاه است، و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به زبان نیت نکرده است.

بعد از آن بسم الله بگوید، دهن و بینی خویش را بشوید، تمام روی، دستان خود را بشمول بازوها و آرنجها بشوید و از سمت راست آغاز کند، بعد از آن سر و گوش های

خود را با دو دست مسح کند، و در آخر پاهای را به شمول پاشنه (بُجُلک) بشوید، و از سمت راست آغاز کند.

بعد از طهارت اگر از انسان ادرار، مواد غایبه یا باد خارج شود، و یا توسط خواب و بی هوشی عقل خود را از دست بدهد، و اراده‌ی نماز داشته باشد، باید طهارت مجدد انجام دهد.

اگر برای مسلمان (اعم از مرد و زن، در بیداری و یا خواب) جنابت رخ دهد و منی از او به شهوت بیرون آید، همچنان هرگاه زن از حیض (عادت ماهوار) و نفاس (عذر ولادت) پاک شود باید غسل جنابت را انجام دهند، چون نماز زن در مرحله تکلیف ماهوار و پس از ولادت درست نیست و ادای نماز بر آنان تا پایان عذر لازم نمی باشد.

الله متعال بر آنها تخفیف و آسانی روا داشته و قضای نماز ترک شده در دوران عذر از آنها ساقط نموده است،

در غیر این صورت مانند مردها باید قضای نماز ترک شده را بجا آرند.

اگر کسی آب در اختیار ندارد و یا استفاده از آب برای صحتش ضرر می‌رساند مانند بیمار، در این صورت باید تیمم بکند.

طریقه تیمم: در قلب خویش نیت طهارت می‌کند، بسم الله می‌گوید و با دو دستان خود بالای خاک یک بار می‌زند، سپس روی خود را مسح می‌کند، بعد از آن پشت دست راست خود را توسط کف دست چپ مسح می‌کند، و بر عکس پشت دست چپ را با کف دست راست مسح می‌کند.

به این ترتیب طهارت برایش حاصل می‌شود.

زنانی که از تکلیف ماهوار و ولادت پاک شده باشند و کسانی که جنابت داشته باشند و کسانی که می‌خواهند

وضو بگیرند مگر آب در اختیار ندارند و یا با استفاده از آب صحت ایشان متضرر می شود، می توانند با استفاده از تیمم طهارت کنند.

دوم: شیوه نماز

۱- نماز صبح:

دو رکعت نماز را مرد و زن مسلمان بسوی قبله ادا می کنند، و قبله همان کعبه یی است که در مسجد حرام در مکه معظمه قرار دارد، در قلب خود نیت (بدون تلفظ زبانی) می کند که نماز صبح را ادا می کند، و با تکبیر تحریمه (الله اکبر) و سپس دعای افتتاحیه: سبحانک اللهم و بحمدک، و تبارک اسمک، و تعالی جدک، و لا اله غیرک، اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، و سوره ی فاتحه نماز را آغاز می کند، و سوره ی فاتحه قرار ذیل

است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مَالِكِ یَوْمِ الدِّیْنِ اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَاِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ
الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِّیْنَ (فاتحه: 1-7)

قرآن کریم تا حد توان باید به زبان عربی تلاوت شود
(۲۹)، سپس الله اکبر می گوید، سر خود را پایین نموده به
رکوع می رود، کف هر دو دست را بالای زانوهاى خود را
قرار داده و (سبحان ربی العظیم) بگوید، سپس سر خود
را بلند کرده و (سمع الله لمن حمده) و (ربنا و لك الحمد)
بگوید، بعد از آن (الله اكبر) گفته و با اطراف انگشتان
پاها، زانوها، دست ها، پیشانی و بینی خود روی زمین
سجده کرده و بگوید: (سبحان ربی الاعلی)، سپس (الله
اکبر) گفته می نشیند و (رب اغفر لی) می گوید، بعد از
آن (الله اكبر) گفته دوباره روی زمین سجده می کند و

(سبحان ربی الاعلی) می گوید، بعد از (الله اکبر) گفته و سوره فاتحه (الحمد لله رب العالمین) و سوره را چنانچه در رکعت اول گذشت تلاوت نموده، سپس تکبیر، رکوع، سجده، قعدہ را انجام می دهد و آنچه در رکعت اول گفته بود باز می گوید.

بعد از آن نشسته و بگوید: "التحيات لله، والصلوات والطيبات، السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين، أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، اللهم صلّ على محمد، وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم، وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد، اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد، كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد"، بعد از آن به سمت راست نگاه نموده و بگوید: "السلام عليكم ورحمة الله"، سپس به سمت

چپ نگاه نموده و بگوید "السلام علیکم ورحمة الله"؛ به این ترتیب نماز صبح را تمام نموده است.

۲- نماز ظهر، عصر، و عشاء:

هر یک از اوقات یاد شده فرض چهار رکعتی می باشد، دو رکعت نخست را مانند دو رکعت نماز صبح ادا نماید، و در قعه اخیر تشهد را بخواند و قبل از اینکه سلام بگوید، برخاسته دو رکعت را مانند رکعت های نخستین ادا نموده (تنها سوره فاتحه بخواند)، و بعد از (رکوع وسجدتین) در قعه اخیر تشهد نشسته و همان مواردی را که در قعه نخست به زبان آورده بود، تکرار می کند، و بر محمد(صلی الله علیه وسلم) درود می فرستد، سپس به سمت راست و چپ چنانچه در نماز فجر گذشت سلام می دهد.

۳- نماز شام:

سه رکعت می باشد، دو رکعت نخست را مانند نمازهای ذکر شده ادا نموده، بعد از آن همان مواردی که در قعهه یی نمازهای دیگر گفته می شود تکرار می کند، اما نباید سلام دهد، بلکه برای ادای رکعت سوم ایستاده شود، و همان مواردی که در رکعت های قبلی انجام داده است تکرار می کند. بعد از به جا آوردن سجده دوم می نشیند و همان مواردی که در قعهه گفته می شود تکرار کرده و به سمت راست و چپ سلام می دهد.

اگر نماز گذار مواردی را که در رکوع و سجده گفته می شود تکرار نماید بهتر است.

برای مردان لازم است ادای نمازهای پنج گانه در مسجد و با امامت کسی که ویژه گی حسن تلاوت، آگاهی احکام نماز، صالح تر باشد، بشکل جماعت ادا گردد. امام

جماعت در نماز صبح، شام و خفتن دو رکعت نخست را به جهر قرأت می نماید و مقتدیان تنها گوش می دهند.

اما زنان نمازهای پنج گانه را در خانه با ستر و حجاب انجام می دهند، تمام بدن خویش را می پوشانند، حتی دست ها و پاهای خود را باید بپوشانند؛ چون زن تمام بدنش عورت است. زنان باید از مردان رو پوشی نمایند، زیرا روی زن منبع فتنه و شناخت است. هرگاه زن مسلمان تصمیم گیرد تا نماز را در مسجد ادا نماید، مانع شرعی وجود ندارد، مشروط بر اینکه حجاب شرعی را مراعات نموده و از خوشبویی استفاده ننماید، در عقب مردان نماز ادا نماید، تا که خود و دیگران را در فتنه نیاندازد.

بر مسلمان لازم است نماز را برای الله متعال با تمام فروتنی و عاجزی و قلب حاضر انجام دهد. قیام، رکوع

و سجده را با اطمینان کامل و بدون عجله انجام دهد، از حرکت های بی جا دوری نموده و چشمان خود را بسوی آسمان بلند ننماید.

در ادای نماز تنها از قرآن و اذکار مخصوص نماز استفاده نماید، هر مورد را در جای مناسب آن انجام دهد (۳۰) چونکه الله متعال به نماز و ذکر امر نموده است.

مسلمانان دو رکعت نماز جمعه را در روز جمعه ادا می نمایند. امام هر دو رکعت نماز جمعه را مانند نماز صبح به جهر ادا می کند، و قبل از نماز دو خطبه ارایه می نماید، و مسلمانان را پیرامون امور دینی تذکر می دهد، و مردان باید همراهی امام یکجا حضور یابند، و نماز جمعه همان نماز ظهر روز جمعه است.



رکن سوم از ارکان اسلام (زکات) است.

هرگاه ثروت مسلمان به نصاب شرعی (۳۱) برسد، الله متعال وی را هر سال به پرداخت زکات ثروتش امر می کند، که برای فقیران و دیگر گروه های نیازمند که در قرآن کریم بیان گردیده است، باید پرداخته شود.

نصاب طلا بیست مثقال، نصاب نقره دوصد درهم و یا معادل آن به پول ورقی می باشد.

کالای تجارتي با انواع مختلف آن، هرگاه به نصاب شرعی برسد بعد از سپری شدن یک سال مالک آن باید زکاتش را بپردازد. نصاب حبوبات و محصولات سه صد پیمان است.

خانه یی که برای فروش ساخته شده باشد از قیمت خانه زکات پرداخت میشود، و خانه یی که برای کرایه ساخته شده باشد، تنها از قیمت کرایه زکات پرداخت می شود.

نصاب طلا، نقره و کالای تجارتي ربع عشر و یا ۲,۵٪ می باشد که هر سال باید پرداخت شود. زکات حبوبات و محصولات که بدون تکلیف توسط نهرها و چشمه ها آبیاری شده باشد ۱۰٪ می باشد، اما محصولات و حبوبات که به مشقت و تکلیف توسط ماشین آلات آبیاری شده باشد ۵٪ می باشد.

زمان ادای زکات حبوب و میوها همان زمان بدست آمدن محصولات است، اگر در یک سال دو بار یا بیشتر از آن محصول بدست بیاید، در هر بار محصول گرفتن باید زکات پردازد. زکات شتر، گاو، وگوسفند در کتاب های احکام اسلام مقدار آن بیان شده است، به آن باید مراجعه شود؛ الله متعال می فرماید: (و فرمان نیافته بودند جز اینکه الله را پرستند و در حالی که به توحید گراییده

اند دین (خود) را برای او خالص گردانند و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین (ثابت و) پایدار همین است).

[البینة:5]

پرداخت زکات سبب دلخوشی، رفع نیازهای نیازمندان گردیده، و تقویت روابط بین فقیران و ثروتمندان می شود. دین مبین اسلام در موضوع تکافل و مسئولیت های اجتماعی و همکاری مادی در مرز پرداخت زکات برای نیازمندان توقف نمی کند، بلکه الله متعال ثروتمندان را امر می کند تا در زمان گرسنگی عمومی با نیازمندان کمک و یاری نمایند.

اگر همسایه کسی گرسنه باشد، اسلام سیر شدن را بر مسلمان حرام گردانیده است. همچنان پرداخت زکات فطر را که در روز عید فطر پرداخت می شود واجب گردانیده است. و مقدار آن یک پیمانه از مواد خوراکی

مروج در کشور می باشد که هر فرد باید آن را پردازد،
زکات فطر کودکان و خدمت کاران را سرپرست آنها می
پردازد.

همچنان الله متعال بالای مسلمان پرداخت کفاره ی
سوگند (۳۲) را واجب گردانیده است، هر گاه کسی سوگند
یاد کند که کاری را انجام می دهم، مگر انجام ندهد،
باید کفاره پردازد. به همین ترتیب الله متعال ادای نذر
مشروع را واجب گردانیده است، همچنان برای صدقه
نفلی مسلمان را تشویق نموده.

و کسانی که در راه الله انفاق و پرداخت می کنند به پاداش
برتر وعده نموده است که پاداش انفاق کننده گان چند
برابر پرداخت خواهد شد، در مقابل یک نیکی ده نیکی و
حتی به هفتصد نیکی می رسد.



رکن چهارم اسلام (روزه) است.

روزه ی ماه رمضان، که همانا ماه نهم سال هجری قمری می باشد.

چگونگی روزه:

مسلمان قبل از آشکار شدن صبح صادق نیت روزه کرده، و از خوردن، نوشیدن، و همبستر شدن (روابط جنسی با همسر) تا غروب آفتاب دوری می جوید و بعد از آن افطار می کند، این روند را در طول ماه رمضان انجام می دهد، هدف این عمل خوشنودی، و عبادت الله متعال می باشد.

در روزه گرفتن فواید بی شماری نهفته است، مهمترین آن عبارت انداز:

- پرستش و بجا آوردن فرمان الهی، چون بنده شهوت، خوردنی و نوشیدنی را بخاطر الله کنار می گذارد، که خود از بزرگترین اسباب پرهیزگاری محسوب می شود.
- فواید صحتی، اقتصادی، و اجتماعی روزه بسیار زیاد است، و آنرا جز روزه دارانی که از لحاظ عقیده و ایمان روزه داشته می باشند درک نمی کنند؛ الله متعال می فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما فرض شده است همانگونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] فرض شده بود تا باشد پرهیزگاری کنید) (۱۸۳)
- (روزه در روزهای شمرده شده بر شما فرض شده است، اگر کسی از شما بیمار یا در سفر باشد، به همان تعداد از روزهای دیگر [را روزه بدارد] و بر کسانی که [روزه]

طاقت فرسا است کفاره ای است که خوراك دادن به مسکین است و هر کس به میل خود بیشتر نیکی کند پس آن برای او بهتر است و اگر بدانید روزه گرفتن برای شما بهتر است (۱۸۴). (ماه رمضان همان ماه است که در آن قرآن نازل شده است [کتابی] که مردم را راهبر و [متضمن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است پس هر کس از شما این ماه را درك (دریابد) کند باید آن را روزه بگیرد و کسی که بیمار یا در سفر است باید به تعدادی آن از روزهای دیگر [را روزه بدارد] خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمایی تان کرده است به بزرگی ستایش نمایید تا باشد شکرگزاری کنید) (۱۸۵).

(سوره بقره: 183-185)

از جمله احکام روزه که الله متعال در قرآن کریم و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در احادیث بیان نموده است:

۱- بیمار و مسافر، روزه را افطار میکنند و قضائی روزه
های افطار را بعد از ماه رمضان ادا میکنند.

همچنان زنان و دخترانی که عذر ماهوار و ولادت داشته
باشند روزه گرفتن شان درست نمی باشد بلکه روزه‌های
حیض و نفاس (عذر ماهوار و ولادت) را روزه نمیگیرند، و
قضائی روزه های خورده شده را بجا میاورند.

۲- خانم باردار و شیرده اگر از حمل و کودکش هراس
داشته باشند، روزه نمیگیرند مگر قضایی آن را باید بجا
آورند.

۳- اگر روزه دار از فراموشی چیزی خورد و یا نوشید، سپس
به یادش آمد که وی روزه دارد، روزه اش درست است؛

چون الله متعال برای امت محمد (صلی الله علیه وسلم) فراموشی، اشتباه، و اکراه را عفو نموده است، و چیزیکه در ذهنش هست آن را باید بیرون اندازد.



رکن پنجم اسلام (حج) است.

و آن عبارت از حج خانه الله کعبه معظمه یکبار در زندگی می باشد. اگر کسی بیشتر از یکبار انجام دهد نفل محسوب میشود، در حج بیت الله مزایا و فواید بی شماری نهفته است:

فایده نخست: عبادت الله با روح، جان و مال است.

فایده دوم: اجتماع مسلمانان از جاهای مختلف در یکجا، یک نوع لباس در تن میکنند، همزمان یک معبود را میپرستند، بدون تفاوت میان رئیس و ما دون، ثروتمند و فقیر، سفید و سیاه، همه مخلوق و بنده گان الله اند، در میان مسلمانان شناخت و همکاری صورت میگیرد، و به یاد روزی میافتند که برانگیخته میشوند و الله متعال ایشان را در یک میدان برای محاسبه حشر میکند، پس

توسط اطاعت از اوامر الهی، برای مراحل بعد از مرگ آمادگی میگیرند.

منظور از طواف در اطراف کعبه - قبله مسلمانان - که الله متعال به آن امر نموده، رو آوردن هنگام ادای نماز به سمت کعبه است. و منظور از ایستاد شدن، همان ایستاد شدن در جاهای معین است، مانند: عرفات، مزدلفه، و اقامت در منی؛ و هدف از همه این موارد عبادت و پرستش الله متعال در همان جاها میباشد، البته به طریقه‌ی که الله متعال امر نموده است.

کعبه و دیگر جاهای که ذکر گردید، در ذات خود مخلوق هستند و قابل عبادت نیستند، نفع و ضرر نمیرسانند، و عبادت تنها به الله صورت میگیرد. نفع و ضرر دهنده تنها الله میباشد، اگر الله متعال به حج امر نمی نمود، برای مسلمان حج کردن لازم نمی بود؛ چون عبادت بر اساس

خواهشات نفسانی و دیدگاه شخصی صورت نمیگیرد، مگر بر آنچه که از طرف الله متعال در قرآن کریم و در احادیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم) امر شده باشد صورت میگیرد؛ الله متعال میفرماید: (و بر مردم حج و زیارت آن خانه به امر الله واجب است بر هر کسی که توانایی برای رسیدن به آنجا دارد، و هر کس کفر ورزد (به خود زیان رسانده) و الله از جهانیان بی نیاز است).
(آل عمران: ۹۷) (۳۳)

در زندگی یک بار بر مسلمان ادای عمره چه در مراسم حج و یا در هر زمان دیگر واجب است، و زیارت مسجد نبوی واجب نمی باشد، نه در مراسم حج و نه در غیر آن، بلکه مستحب بوده و زیارت کننده مستحق پاداش می گردد و ترک کننده آن مجازات نمی گردد. اما حدیثی که در آن گفته شده: (کسیکه حج را ادا نماید و مرا زیارت

نکند، در واقع با من جفا نموده است)، این حدیث صحیح نبوده و دروغ محض است بالای رسول الله (صلی الله علیه وسلم) (۳۴)

زیارتی که مشروع است، صرفاً به مسجد نبوی می باشد، هرگاه زیارت کننده به مسجد نبوی برسد و نماز تحیه مسجد را ادا نماید، بعد از آن می تواند به زیارت قبر رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برود، و با تمام ادب و صدای پایین بگوید: (السلام علیک یا رسول الله)، هرگز از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) چیزی طلب نکند، تنها سلام بدهد و بگذرد، چونکه خود آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) امتش را به همچو کار امر نموده است، و صحابه همین کار را می کردند.

اما کسانی که نزد قبر رسول الله (صلی الله علیه وسلم) با کمال خشوع و فروتنی گویا که برای ادای نماز ایستاده

اند می ایستند، و از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) حاجات خود را می خواهند و یا از وی طلب مدد می کنند یا وی را نزد الله متعال واسطه قرار می دهند، در واقع آنها به الله شرک می ورزند، و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از آنها بیزار است.

مسلمان باید متوجه باشد که با رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و یا با کس دیگر اینگونه عمل را انجام ندهند. بعد از آن قبر دو یار رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ابوبکر صدیق و عمر (رضی الله عنهما) را زیارت کند، سپس به زیارت اهل بقیع و شهدا برود. زیارت مشروع به قبرهای مسلمانان طور است که زیارت کننده بر تمام اهل قبرها سلام می دهد و برایشان دعا می کند، مرگ را بخاطر میاورد و از آن می گذرد.

چگونگی ادای حج و عمره:

در قدم نخست حج و یا عمره کننده باید نفقه حلال را در اختیار داشته باشد، و مسلمان باید از مال حرام اجتناب نماید، چون مال حرام سبب مردود شدن (قبول نشدن) حج و عمره و دعاء انسان می گردد، در این مورد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (هر گوشتی که بر حرام پرورش یافته باشد، مستحق آتش جهنم می گردد) (۳۵).

حاجی باید یاران و همنشینان اهل ایمان و توحید را برگزیند.



میقات (موقعیت های نیت کردن برای حج و عمره):

هرگاه حاجی و یا عمره کننده به میقات برسد، از آنجا احرام بر تن می کند، حتی اگر در ماشین (موتر) و یا وسیله یی دیگر هم باشد. اما اگر در هواپیما باشد قبل از عبور کردن میقات، باید احرام را بر تن کند.

میقات های که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) امر نموده تا از آن موقعیت ها باید احرام شود قرار ذیل است:

۱- ذو الحلیفه (ابیار علی) میقات اهل مدینه منوره میباشد.

۲- جحفه (نزدیک رابغ) میقات اهل شام، ومصر و المغرب میباشد.

۳. قرن منازل (سیل، وادی محرم) میقات اهل نجد، وطایف وکسانیکه در آن مسیر هستند میباشد.

۴. ذات عرق (میقات اهل عراق) میباشد.

۵. یلملم: میقات اهل یمن میباشد.

اگر کسی بخواهد از این میقات های پنجگانه عبور کند
و از اهل همان منطقه نباشد، باید در آن جا احرام بپوشد.
اهل مکه و نواحی آن از خانه های خود احرام بپوشند.



چگونگی احرام:

قبل از اینکه احرام بر تن شود، طهارت کامل و استفاده از خوشبویی مستحب می باشد.

سپس احرام را در میقات بر تن می کند. کسیکه توسط هواپیما حج و یا عمره می کند باید در کشور خود همچو آمادگی ها گرفته، نیت بکند.

و هرگاه نزدیک میقات شدند، تلبیه (۳۶) گفتن را تکرار نماید. لباس احرام برای مردان دو پارچه (بدون اینکه دوخته شده باشد) است، که توسط یکی آن حصه یی بالا و توسط پارچه یی دیگر حصه یی پایانی خود را می پوشانند، اما سر خود را نباید پوشانند. اما خانمان، لباس خاص برای احرام ندارند، بلکه لازم است لباسی بپوشند که همه بدن شانرا بپوشانند و مصدر فتنه یی دیگران قرار نگیرند.

هرگاه نیت احرام کردند از چیزهای دوخته شده (مانند دستکش و رو بندی) دوری کنند، و هرگاه با مردان نامحرم روبرو شدند با گوشه یی از چادر روی خود را بپوشانند، همانطوریکه امهات المومنین و زنان صحابه یی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) انجام می دادند.

بعد از پوشیدن احرام، حج کننده در قلب خود نیت ادای عمره را می کند، و می گوید که: اللهم لبیک عمره. با این عمره نیت حج تمتع را بکند.

حج تمتع بهتر است، چون رسول الله (صلی الله علیه وسلم) صحابه را به ملازمت بر آن امر نموده است. و بر کسانی که این امر را بجا نیاورند خشمگین شد، مگر کسی که با خود قربانی (۳۸) آورده باشد، این دسته از حاجیان حج قران را ادا می کنند، همانطوریکه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) انجام داده است.

قارن: به آن دسته از حاجیان گفته می شود که در نیت بگویند: (اللهم لبیک عمرة وحجاً)، و تا زمانی که قربانی خود را در روز عید ذبح نکرده در احرام می مانند.
و کسیکه تنها حج مفرد نیت کرده باشد، هنگام احرام بستن (اللهم لبیک حجاً) می گوید.



موارد ممنوعه بر احرام داران:

هرگاه مسلمان نیت احرام کند، موارد ذیل بالایش حرام می شود:

- ۱- همبسی و یا زمینه سازی بر آن از قبیل: بوسه، لمس با شهوت، ویا حرف زدن در همچو موارد، خواستگاری، عقد نکاح، پس احرام کننده نه ازدواج می کند و نه کسی را به عقد ازدواج در میاورد.
- ۲- تراشیدن مو و یا گرفتن از آن.
- ۳- کوتاه کردن ناخون ها.
- ۴- پوشانیدن سر برای مردان توسط چیزی که با سر لمس کند، اما سایه گرفتن توسط چتری، خیمه و یا موتر، هیچ باکی ندارد.
- ۵- استفاده و بویدن خوشبویی.

۶- شکار و یا رهنمایی به شکار کردن.

۷. برای مردان پوشیدن چیز دوخته شده ، و برای زنان پوشانیدن روی و دست با چیزی دوخته شده. همچنان مردان میتوانند کفش (پاپوشی که بالای پای را نپوشاند) استفاده کنند، اگر کفش میسر نبود می تواند از بوت استفاده کند.

هرگاه یکی از محرمات فوق را از لحاظ نادانی و یا فراموشی مرتکب شود او را از خود دور نماید بالای او خون لازم نمی شود.

وقتیکه احرام کننده به کعبه معظمه می رسد از کنار حجر الاسود به طواف قدوم (۳۹) بپردازد که همانا هفت بار طواف کعبه معظمه می باشد.

این طواف برای ادای عمره یی حاجی محسوب می شود. هنگام طواف دعای مخصوص وجود ندارد، بلکه به ذکر الله و دعای که حفظ دارد مشغول شود. (۴۰)

بعد از آن دو رکعت نماز طواف را در عقب مقام ابراهیم و یا در جای مناسب دیگر در داخل حرم مکی ادا نموده، سپس به سمت صفا و مروه برود، از صفا آغاز نماید و باید بالای بلندی یی صفا بلند شود و طرف قبله رو گردانیده الله اکبر و لله الحمد و دعا نموده به سمت مروه حرکت کند.

بالای بلندی یی مروه هم بلند شود و طرف قبله رو گرداند، الله اکبر بگوید و دعا نماید، سپس به سمت صفا حرکت کند.

به همین ترتیب بین صفا و مروه هفت مرتبه رفت و برگشت نماید، رفتن یک مرتبه و برگشتن مرتبه یی دیگر

محسوب میشود. بعد از آن موهای خود را کوتاه می کند. اما زن ها از نوک موهای سر خود به اندازه یی یک خط انگشت کوتاه می کند.

به این ترتیب کسیکه نیت حج تمتع را نموده است، عمره ی او تمام شده است. احرام را از تن خود دور می کند و تمام محرمات احرام برایش حلال می گردد.

اگر برای خانمی قبل از احرام و یا بعد از احرام عذر ماهوار و یا ولادت رخ دهد، حکم حج قارن را بخود می گیرد، نیت عمره و حج را مانند بقیه حاجیان می کند؛ چون عذر ماهوار و تکلیف ولادت مانع احرام و ایستاد شدن در میدان عرفات نمی شوند، تنها طواف کعبه کرده نمی تواند. پس تمام امور حج را مانند بقیه حاجیان انجام می دهد بجز طواف، و هرگاه عذر شرعی مرفوع گردید، طواف را باید بجا آورد.

ولی اگر خانمی قبل از اینکه حاجیان احرام را بر تن کنند و بسمت منی روان شوند، پاک شد، می تواند غسل نموده طواف و سعی را بجا آورد و موهای خود را کوتاه نماید، سپس لباس های عادی خود را در تن کند، و هرگاه حاجیان در روز هشتم ذوالحجه احرام را بر تن کنند او نیز احرام کند.

ولی اگر خانم بعد از اینکه حاجیان احرام را در تن نمودند، عذرش تمام شود، در این صورت وی باید نیت حج قارن را بکند، در احرام خود باقی میماند و مانند بقیه حاجیان تلبیه بگوید، و تمام کارهایی که بقیه حاجیان انجام می دهند از قبیل: رفتن به منی، ایستادن در عرفات و مزدلفه، زدن جمرات و قربانی و کوتاه کردن موی سر در روز عید قربان. و هرگاه عذر شرعی اش تمام گردید، غسل نموده و طواف و سعی حج را بجا آورد.

و همین سعی و طواف برای حج و عمره اش کافیست،
 طوریکه برای مادر مومنان عایشه (رضی الله عنها) اتفاق
 افتیده بود، و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برایش
 فرمود که طواف و سعی که بعد از پاک شدن انجام داده
 است برای حج و عمره اش کافیست زیرا وی با مردم
 طواف افاضه و سعی را انجام داده است، چنانچه در حج
 قرآن و افراد یکبار طواف (۴۳) و سعی لازم است؛
 همانگونه که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) تصریح
 نموده و آن را انجام داده اند، و در حدیث دیگری می آید
 که: عمره تا روز قیامت در حج داخل شده است.

الله بهتر می داند.

هرگاه روز هشتم ماه ذی الحجه فرا رسد، حاجیان از
 اقامت گاه های خود در مکه برای حج نیت می کنند،
 بدن خود را نظیف می کنند، همانطویکه برای احرام

بستن خود را پاک و نظیف نموده بودند، لباس احرام را در تن نموده، مرد و زن برای حج نیت می کنند، سپس تلبیه را به زبان می آورند و می گویند: (اللهم لبیک حجا)، و از تمام محظورات که قبلا تذکر داده شده است اجتناب می کنند تا زمانی که از مزدلفه بسوی منی در روز اول عید (یوم النحر) (۴۴) بیایند، بعد از آن جمره یی عقبه را زده و موی سر را می تراشند، اما زنان موهای خود را به مقدار معین کوتاه می کنند.

هرگاه حاجی در روز هشتم با بقیه حاجیان بسوی منی رفتند، در آن جا شب را سپری نموده و هر نماز را در وقتش بدون جمع کردن قصر ادا می کنند، و هرگاه آفتاب روز عرفه طلوع کرد همراه با حاجیان بسوی (نَمْرَه) می روند و در آنجا می نشینند و با امام نماز ظهر و عصر را بشکل جمع و قصر ادا می نمایند، بعد از زوال به سمت

میدان عرفات حرکت می کند، ولی اگر از منی بلا فاصله به میدان عرفات برود و در آنجا بنشیند اشکالی ندارد، و عرفات همه جای آن قابل ایستادن و نشستن است.

در روز عرفه حاجیان باید به ذکر الله (متعال) دعا و استغفار مشغول باشند، و روی شان به سمت قبله باشد نه بسمت کوه عرفات؛ چونکه کوه عرفات بخشی از عرفات است، بالا شدن بالای کوه بمنظور عبادت درست نیست، همانطوری که مسح نمودن سنگ های آن به نیت ثواب جواز ندارد؛ چون این کار بدعت و حرام است.

حاجی نباید قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج شود، بلکه بعد از غروب آفتاب به سمت مزدلفه حرکت کند، هرگاه در مزدلفه برسند نماز مغرب و عشاء را بشکل جمع تاخیر و نماز عشاء را بشکل قصر ادا نموده و شب را آنجا بگذرانند، بعد از ادای نماز فجر و ذکر الله (متعال) قبل

از طلوع آفتاب بسوی منی حرکت کنند، هرگاه به منی رسیدند جمره یی عقبه را به هفت سنگ متوسط (که نه بزرگ باشد و نه کوچک) بزنند؛ و هرگز زدن جمرات به کفش ها جواز ندارد، چونکه این بازی است که شیطان آن را خوب جلوه می دهد، و ذلیل ساختن شیطان به پیروی از اوامر و دوری از نواهی الله متعال و پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) صورت می گیرد.

بعد از زدن جمره عقبه حاجی قربانی خود را ذبح نموده و سر خود را می تراشد، اما زن موهای خود را بمقدار معین کوتاه می کند.

اگر مرد موهای خود را کوتاه نموده اشکالی ندارد، در حالیکه تراشیدن موی سر سه مرتبه بهتر است.

سپس لباس خود را در تن می کند و تمام ممنوعات احرام بجز (از همبستری با) زنان برایش حلال می گردد، بعد از

آن به سمت مکه می رود، طواف و سعی حج را ادا می نماید، به این ترتیب همه ممنوعات احرام برایش حلال می گردد حتی همسرش.

بعد از آن بسوی منی بر می گردد در آنجا سه روز عید را از لحاظ واجب بودن آن سپری می نماید، و روزهای یازدهم و دوازدهم ماه ذی الحجه بعد از زوال جمرات سه گانه را می زند، البته از جمره یی کوچک آغاز نموده سپس جمره یی وسطی و اخیرا جمره بزرگ را می زند، هر یک از جمرات سه گانه را با هفت سنگ کوچک می زند و با پرتاب هر سنگ الله اکبر می گوید، البته این سنگ ها را از قامت گاه (۴۶) خود از منی جمع آوری می کند. و اگر برای کسی در منی اقامتگاه میسر نشد، در انتهای خیمه های موجود در منی جاگزین شود.

اگر کسی می‌خواست بعد از زدن جمرات در روز دوازدهم از منی بیرون شود اشکالی ندارد، ولی اگر تا روز سیزدهم منتظر بماند و زدن جمرات بعد از زوال این روز بهتر است. هرگاه اراده سفر نمود باید طواف وداع را انجام دهد و بعد از آن بلافاصله سفر نماید.

اگر زنی حیضه و نفاسه (معذور شرعی) طواف و سعی حج را انجام داده باشد، طواف وداع بالای شان لازم نیست.

و اگر حاجی ذبح نمودن قربانی را به روز یازدهم، دوازدهم و یا سیزدهم به تاخیر بیندازد اشکالی ندارد، همچنان اگر طواف حج و سعی را تا روز بیرون شدن از منی به تاخیر بیندازد اشکالی ندارد، ولی بهتر همان است طوری که قبلاً تذکر داده شده است.

اللہ (متعال) بہتر می داند، وصی اللہ علی نبینا محمد،
وعلی آلہ وسلم.



ایمان

الله (متعال) در کنار این که مسلمان باید به الله و پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) و ارکان اسلام ایمان بیاورد، همچنان ایمان داشتن به فرشته گان و کتاب هایش که بالای پیامبرانش نازل نموده است، که به قرآن کریم آن را پایان داده است و به قرآن کریم تمام کتابهای قبلی منسوخ و غالب قرار داده است ایمان بیاورد، و به تمام پیامبران الهی از نخستین آنها تا آخرین که محمد (صلی الله علیه وسلم) است ایمان بیاورد؛ چونکه پیام و دین همه انبیاء یکی بود که همانا اسلام است، و فرستاده پیام هم یکی بود که همانا الله (متعال) پروردگار عالمیان است. پس لازم است که مسلمان به تمام پیامبران که الله (متعال) در قرآن از ایشان یاد نموده است ایمان بیاورد، و اینکه آنها پیامبرانی بودند که برای ملت های خودشان

فرستاده شده اند، همچنان ایمان داشته باشند که محمد (صلی الله علیه وسلم) آخرین پیامبران و برای همه مردم فرستاده شده است، و بعد از بعثت محمد (صلی الله علیه وسلم) همه مردم حتی یهود و نصارا و پیروان ادیان دیگر از امت او محسوب می شوند؛ چونکه تمام ساکنین روی زمین امت محمد (صلی الله علیه وسلم) هستند و از طرف الله (متعال) به پیروی از وی ملزم هستند.

موسی و عیسی و تمام پیامبران از کسانی که در اسلام داخل می شوند ولی از محمد (صلی الله علیه وسلم) پیروی نمی کنند بیزار هستند، چونکه مسلمان به تمام پیامبران ایمان آورده و از آنها پیروی می کنند، کسی که به محمد (صلی الله علیه وسلم) ایمان نیاورد و از وی پیروی نکند و بخواهد در اسلام داخل شود، این شخص به تمام پیامبران کفر ورزیده، و آن را دروغ می پندارد،

حتی اگر دعوی پیروی یکی از آنها را بکند، و در فصل دوم پیرامون این موضوع دلایلی از کلام الهی را بیان نمودیم.

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: سوگند بر ذاتی که جان محمد در اختیار اوست، هر کسی از این امت (اگر یهودی باشد و یا نصرانی) اگر از من خبر می شود، بمیرد و بر آنچه من فرستاده شده ام، ایمان نیاورد، از اهل جهنم خواهد بود (۴۹).

مسلمان باید به زنده شدن بعد از مرگ، حساب، پاداش، بهشت و جهنم، و تقدیر الله (متعال) ایمان داشته باشد. معنی ایمان به قدر:

مسلمان باید باور داشته باشد که الله (متعال) بر همه چیز داناست، و کارکردهای بنده ها را قبل از پیدایش آسمانها و زمین می دانست، و آن دانایی را نزد خود در

لوح محفوظ نوشته است، و مسلمان می داند هرآنچه را که الله (متعال) اراده کند اتفاق می افتد، و چیزی را که اراده نکند هرگز اتفاق نمی افتد، و یقیناً که الله (متعال) بندگان را برای پرستش خویش آفریده است و این پرستش را برای شان بیان و امر نموده، و از نافرمانی اش منع نموده است، و اطاعت را برای شان بیان نموده، و در ضمن برای انجام اوامر الله (متعال) توان اختیار و اراده را هم برایشان عطا نموده است؛ به همین اساس برای فرمان برداران اجر و پاداش و برای گنهکاران و نافرمانان جزا در نظر گرفته شده است.

اراده یی بنده وابسته به اراده یی الله (متعال) است، اما در قدرها الله (متعال) برای بنده اراده و اختیار نداده است، بلکه قدرها را الله (متعال) بر بندگان خود اگرچه بدون اراده و خواست آنها باشد مانند اشتباه و فراموشی و

چیزهای که آن را دوست ندارد مانند فقر، بیماری، و مصیبت‌ها و غیره امور دیگر جاری می‌سازد.

الله متعال بندگان خویش را در این مورد محاسبه و مجازات قرار نمی‌دهد، بر عکس اگر بنده فقر و بیماری شکیبایی و رضامندی به تقدیرات الهی پذیرفت برای او اجر و پاداش بزرگ عطا می‌نماید.

مسلمان باید به تمام موارد یاد شده ایمان داشته باشد.

بزرگترین مسلمانان از لحاظ ایمان به الله، و نزدیکترین آنها نزد الله (متعال) و صاحب والاترین مقام در بهشت نیکو کاران اند، کسانی که الله را پرستش و تعظیم نموده، و در مقابل او فروتن هستند گویا که آنها الله (متعال) را مشاهده می‌کنند، در خفا و آشکارا نافرمانی او را نمی‌کنند، و به این باور هستند در هر جا که باشند الله (متعال) آنها را میبیند، بنابراین از او امرش اطاعت

می کنند، و از نافرمانی او دوری می جویند، هرگاه یکی از آنها مرتکب لغزش و اشتباه گردد، بلا فاصله به الله (متعال) رجوع نموده و صادقانه از اشتباه و گناه که مرتکب آن شده پشیمان می شود و از الله (متعال) طلب آمرزش نموده و هرگز به آن برگشت نمی کند؛ الله (متعال) می فرماید: هر آینه الله با پرهیزگاران و نیکوکاران است. (النحل: ۱۲۸)



کامل بودن دین اسلام

الله (متعال) در قرآن عظیم الشان می فرماید: (امروز دین شما را به کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم).
(المائدة: ۳)

و الله (متعال) می فرماید: این قرآن، به راهی که استوارترین راه هاست، هدایت می کند؛ و به مومنانی که اعمال صالح انجام می دهند، بشارت می دهد که برای آنها پاداش بزرگی است. (الاسراء: ۹)

الله متعال در مورد قرآن کریم میفرماید: (و بالای شما کتاب نازل نموده ایم که بیان کننده یی همه چیز بوده، و رهنما، و رحمت و مژده برای مسلمانان است). (النحل: ۸۹)

در حدیث صحیح رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: (شما را (به شریعت) گذاشته ام که شب آن

مانند روز (روشن) است، بعد از من از آن رو نمیگرداند
مگر جز هلاک شده). (۵۰)

همچنان میفرماید: (برای شما دو چیز را گذاشته ام، اگر
بر آن چنگ بزنید هرگز گمراه نمیشوید، (که آن) کتاب
الله و سنت پیامبرش است) (۵۱)

در آیت های قبلی:

در آیت نخست الله متعال میفرماید که برای مسلمانان
دین ایشان (اسلام) را بدون کمی تکمیل نمودم، و نیاز به
زیادت ندارد، برای هر زمان، مکان و مردم قابل استفاده
میباشد، و می افزاید که بوسیله یی اسلام کامل و آسان، و
آخرین فرستادگان محمد (صلی الله علیه وسلم)، و ظهور
و پیروزی اسلام و مسلمانان بر دشمنان شان نعمت های
خود را بر مسلمانان کامل گردانیده است، و الله متعال
خبر می دهد که وی از اسلام منحیث دین برای مردم

راضی است ، و هرگز به این دین خشمگین نمی شود و هرگز از مردم غیر اسلام دین دیگری را نمی پذیرد.

در آیت دوم الله متعال میفرماید: قرآن کریم دستور العمل کامل است و در آن همه امور دینی و دنیوی بگونه یی کافی بیان شده است، به هر کار نیک رهنمایی نموده، و از هر کاربرد و ناپسند برحذر داشته است.

و حل درست و حل هر موضوعی گذشته، حاضر، و آینده در قرآن کریم وجود دارد، و هرگونه حل که خلاف قرآن باشد جهل و ظلم شمرده میشود.

دانش، عقیده، سیاست، نظام قضا و محکمه، روان شناسی و جامعه شناسی، اقتصاد، و نظام مجازات و غیره امور مورد نیاز بشر را در قرآن و به زبان پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) مفصل بیان نموده است.

چنانچه الله متعال میفرماید: (و ما نازل نمودیم بالای تو کتابی که بیان کننده یی همه چیز میباشد). (النحل: ۸۹)
در فصل بعدی تفصیل کامل و فراگیر بودن دین اسلام و طرز العمل آن بیان خواهد شد.



* فصل چهارم *

* منهج و روش اسلام *

نخست: در علم و دانش

نخستین امری که الله (متعال) آن را بالای انسان واجب گردانیده است فراگرفتن علم و دانش است؛ الله (متعال) می فرماید: (پس بدان که هیچ معبود بر حق جز الله نیست، و برای گناه خویش آمرزش بجوی و برای مردان و زنان با ایمان (طلب مغفرت کن) و الله محل رفت آمد و جای اقامت شما را می داند). (محمد: ۱۹)

الله متعال می فرماید: (الله کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که برایشان علم داده شده است درجات بلند می دهد و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است). (المجادله: ۱۱)

الله (متعال) می فرماید: (و بگو: پروردگارا! علم مرا زیاد کن). (طه: ۱۱۴)

الله (متعال) می فرماید: (پس اگر نمی دانید از اهل دانش بپرسید). (الانبیاء: ۷)

و خاتم المرسلین محمد (صلی الله علیه وسلم) در حدیث صحیح می فرماید: (فراگیری علم بر هر مسلمان فرض است). (۵۲)

و او (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (برتری عالم بر عابد، مانند برتری مهتاب در شب چهارده بر دیگر سیاره ها است). (۵۳)

علم از لحاظ لزومیت به اقسام گوناگون تقسیم می شود:

قسم نخست: بالای هر انسان فرض است، خواه مرد باشد و یا زن، جهل هیچکسی در این خصوص پذیرفتنی

نیست، و آن شناخت الله (متعال) و پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم)، و شناخت امور مهم دین اسلام است (۵۴).

قسم دوم: فرض کفایی است، هرگاه شمار کافی از مردم آن را فراگیرند از بقیه مردم ساقط می گردد، در این صورت برای بقیه مردم فراگیری آن مستحب بوده نه اینکه واجب باشد، و آن همانا علم احکام شریعت اسلام است که صاحب خود را برای تدریس، قضاء و فتوی اهل می گرداند، و همچنان رشته های مورد نیاز مسلمانان از قبیل صنعت و حرفه های مهم دیگر که در امور زندگی برای شان حایز اهمیت باشد. اگر افراد کافی در مواردی که ذکر گردید وجود نداشته باشد، حاکم و زعیم مسلمانان جهت پیشبرد امور زندگی مسلمانان برای ایجاد علماء و دانشمندان باید تلاش نماید.

دوم: در بخش عقیده:

الله (متعال) پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) را امر نموده است تا برای مردم اعلام نماید که همه آنها بندگان الله یکتا هستند، تنها او را باید پرستش نمایند، و امر نموده تا ارتباط شان در عبادت با الله (متعال) بدون واسطه و مستقیم باشد، همانطوری که شرح این مورد در معنی (لا اله الا الله) بیان شده است. و امر نموده است که تنها به الله (متعال) توکل نمایند، و تنها از او ترس و هراس داشته باشند، و تنها از او آرزو و امید داشته باشند (۵۵)؛ چون او تنها نافع و ضار می باشد، و او را به صفات کمال یاد نمایند، همانطوری که خودش و پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) او را توصیف نموده است، چنانچه قبلا بیان گردید.

سوم: در رابطه میان انسان ها:

الله (متعال) مسلمان را امر نموده تا انسان صالح باشد، در تلاش نجات بشر از تاریکی های کفر به روشنایی اسلام باشد؛ و به همین سبب و برای ادای واجب این کتاب را تالیف و نشر نمودم.

الله (متعال) امر نموده تا پیوند ارتباط مسلمان با مسلمان دیگر بر اساس ایمان به الله باشد، بنده گان صالح و نیک و فرمانبردار الله و پیامبرش را دوست بدارد، حتی اگر دورترین مردم باشند.

و با کسانی بغض و کینه کند که به الله کفر ورزیده و نافرمانانی الله و پیامبرش را کردند، حتی اگر نزدیکترین مردم باشند.

و این رابطه است که میان جدا شدگان جمع آوری میکند، و میان اختلاف کننده گان همسویی ایجاد می

کند، بر خلاف رابطه‌ی نسب، کشور و مصلحت‌های مادی، چون این نوع پیوندها زود از هم پاشد.

الله (متعال) می‌فرماید: گروهی را که به خداوند و روز قیامت ایمان می‌آورند، نخواهی یافت که با کسی که با خدا و رسولش مخالفت ورزیده است دوستی کنند. هر چند پدرانشان یا فرزندانسان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند. (المجادله: ۲۲)

الله (متعال) می‌فرماید: ارزشمندترین شما نزد الله پرهیزگارترین شما است. (الحجرات: ۱۳)

در آیت نخست الله (متعال) خبر می‌دهد: کسی که به الله ایمان داشته باشد، دشمنان الله را دوست نمی‌دارد، هر چند اگر نزدیکترین مردم برای او باشد.

و در آیت دوم الله (متعال) می فرماید: ارزشمندترین و محبوبترین مردم نزد او فرمانبردار اوست، از هر رنگ و نژاد که باشد.

الله (متعال) به عدل در برابر دوست و دشمن امر نموده، ظلم را بر خود حرام نموده، و آن را در میان بنده گان خود نیز حرام قرار داده است.

به امانتداری و راستگویی امر نموده، خیانت را حرام گردانیده است.

به نیکی با والدین، صله یی رحم، احسان با فقیران، سهمگیری در کارهای خیری، نیکی با همه مخلوق حتی در برابر حیوان امر نموده است.

تعذیب و شکنجه حیوان را حرام گردانیده، و با نیکی با آن امر نموده است (۵۶)، اما حیوان های مضر و خطرناک مانند سگ درنده، مار، گژدم، موش، نوع خاص عقاب،

چلپاسک یا شلند، جهت منع شر و ضرر این همه حیوان
ها باید کشته شوند.

چهارم: در پیوند به مراقبت و نصیحت قلبی برای

انسان مومن:

در آیات قرآن کریم برای مردم بیان شده است که الله
(متعال) آنها را در هر جا که باشند می بیند، از همه کارها
و نیت های آنها آگاه است، و تمام کارها و گفتارهای
ایشان را حساب می کند، و فرشتگان موظف تمام
تصرفات آشکار و پنهان آنها را می نویسند، و الله
(متعال) بر اساس همه گفتارها و پندارهای که انجام داده
اند محاسبه می کند، و در زندگی دنیا برای شان هشدار
داده است اگر نافرمانی و خلاف ورزی امر او را کنند،
عذاب دردناک برای شان داده می شود.

این هشدار بزرگترین مانع برای مومنان از ارتکاب گناه و نافرمانی است؛ بنابر این جرایم و خلاف ورزی را از ترس الله (متعال) ترک می کنند.

اما کسی که از الله (متعال) ترس ندارد، و اگر ارتکاب گناه برایش میسر شود انجام می دهد، در این صورت الله (متعال) برای منع نمودن راههای را تعیین نموده است. الله (متعال) مسلمانان را امر نموده است تا امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند؛ اینجا است که همه مسلمانان احساس می کنند که آنها در مقابل گناه و اشتباه دیگران هم نزد الله (متعال) مسؤول هستند تا آنها را توسط زبان خود منع کنند اگر توان منع آنها را از طریق دست نداشته باشد. و الله (متعال) زعیم مسلمانان را امر نموده است تا حدود الهی بر مخالفین تطبیق نماید، و این حدود جزاهایی هست که بنابر جرم انجام شده وضع

شده است، و آن را الله (متعال) در قرآن و پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) در احادیث بیان نموده است، و به تطبیق آن بالای مجرمان امر کرده، لذا می توان از این راه عدل، امنیت و آسایش را بمیان آورد.

پنجم: در رابطه به همگانی و همکاری اجتماعی

الله (متعال) مسلمانان را امر نموده تا میان یکدیگر همکاری مادی و معنوی داشته باشند، چنانچه قبلا در موضوع زکات و صدقات بیان گردید، و الله (متعال) مسلمان را از اذیت رسانیدن به مردم با تمام انواع آن منع نموده است، حتی اذیت رسانی در سرک و خیابان را حرام قرار داده است. الله (متعال) مسلمان را از دور کردن اشیای اذیت کننده از راه و خیابان امر نموده است، ولو که کسی دیگر سبب پرداختن این اذیت شده باشد، و در

مقابل دور کردن اذیت از راه برای او پاداش، و برای کسی سبب اذیت شده است جزا در نظر گرفته شده است.

و الله (متعال) بالای مومن فرض گردانیده است تا آنچه را که به خود می پسندد برای برادر مسلمان خود هم بپسندد، و چیزی را که برای خود نمی پسندد برای برادر مسلمان خود هم نپسندد.

الله (متعال) می فرماید: (با یکدیگر در کارهای نیک و تقوا همکاری کنید، در گناه و تجاوز همکاری نکنید، از الله بترسید، چونکه الله سخت عذاب دهنده است).
(المائدة: ۲)

الله (متعال) می فرماید: (مومنان باهم برادرند، پس در میان برادران خود صلح کنید). (الحجرات: ۱۰)

الله (متعال) می فرماید: (هیچ فایده و خیری در سخنان سرّی آنها نیست مگر آنکه کسی به صدقه دادن و

نیکویی کردن و اصلاح میان مردم امر کند، و هر که در طلب رضای الله چنین کند به زودی به او اجر عظیم می‌دهیم). (النساء: ۱۱۴)

و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می‌فرماید: (هیچ یکی از شما مومن (کامل) شده نمی‌تواند تا اینکه آن چیزی را که بخود می‌پسندد برای برادر خود هم بپسندد). (۵۹)

و او (صلی الله علیه وسلم) در خطبه بی‌عظیمی که در آخرین روزهای زندگی خویش در حجة الوداع روی مواردی که قبلاً تذکر یافته بود، صراحتاً امر نموده است، احمد روایت می‌کند: (ای مردم! آگاه باشید که پروردگار شما یکی است، و پدر شما یکی است، آگاه باشید که عرب بر عجم و عجم بر عرب و سرخ پوست بر سیاه پوست و سیاه پوست بر سرخ پوست برتری ندارد مگر بر

اساس تقوی، آیا (دین خدا را) به شما ابلاغ نمودم؟ همه با یک صدا گفتند: پیامبر الله (صلی الله علیه وسلم) ابلاغ نمود (۶۱).

همچنان محمد (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (خون و مال و ناموس شما بر شما حرام است، مانند حرام بودن امروز شما، در این سرزمین شما، در این ماه شما، تا روز ملاقات پروردگارتان. آیا رسانیدم؟ گفتند: بلی. سپس انگشت خود را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: ای الله تو گواه باش) (۶۲).

ششم: در سیاست داخلی:

الله (متعال) مسلمانان را امر نموده تا برای خود امام و زعیم برگزینند و به امارت او بیعت نمایند، و اینکه متحد و یکدست بوده و از گسستگی و پراگندگی خود داری نموده و یک ملت باشند، و الله (متعال) آنها را به اطاعت

از او امر امام مسلمانان امر نموده مگر اینکه به معصیت و گناه امر کنند، چون فرمانبرداری از مخلوق در گناه الله جواز ندارد.

هرگاه مسلمان توان اظهار دین اسلام را در سرزمینی نداشته باشد، الله (متعال) او را امر نموده تا آن سرزمین را ترك گوید (۶۳) و در سرزمین مسلمانان مسکن گزین شود، سرزمینی که در آن تمام امور شریعت اسلامی پیاده می شود، و زمام امور آن در اختیار زعیم مسلمان بوده و مطابق احکام الهی عمل نماید.

دین اسلام به مرزهای اقلیمی، ونژاد های قومی، سمتی و ملیتی اعتراف ندارد، چون نژاد مسلمان همانا اسلام است، و همه بندگان الله هستند، زمین همه از آن الله است، مسلمان بدون هیچ مانع از یکجا به جای دیگر رفت و آمد می کند، مشروط بر اینکه پابند شریعت الله

باشد، و اگر خلاف آن عمل نماید بر او حکم الهی تطبیق می‌گردد. در تطبیق شریعت و حدود الهی (۶۴)، برقراری امنیت و اصلاح مردم، گرفتن جلو خون ریزی و حفظ نوامیس و دارایی مردم، و تمام امور خیر در آن بوده، و شر در سرپیچی از شریعت الله می‌باشد.

الله (متعال) عقل‌ها را بوسیله تحریم مواد نشه آور (۶۵)، مواد مخدر، و چیزهای که عقل را مختل می‌سازد حفاظت می‌کند. حد و جزای نوشیدن چیزهای نشه آور را ۴۰-۸۰ تازیانه تعیین نموده، هرگاه به آن رو بیاورد، تا سبب عدم رو آوردن به مواد نشه آور و حفظ عقلش گردد، و همچنان سبب حفاظت مردم از شر او شود.

الله (متعال) خون مسلمانان را توسط قصاص از تجاوزکننده بی‌بدون حق حفظ نموده است؛ پس قاتل باید قتل شود. در زخمی شدن قصاص را تعیین نموده است،

همچنان برای مسلمان حق دفاع از خود ناموس و مال را داده است؛ الله (متعال) می فرماید: (برای شما در قصاص، زندگی است ای خردمندان تا برهیزگار شوید) (البقرة: ۱۷۹).

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: (کسی که در دفاع از مال خود کشته شود شهید است، کسی که در دفاع از دین خود کشته شود شهید است، کسی که در دفاع از خون خود کشته شود شهید است، و کسی که در دفاع از خانواده (ناموس) خود کشته شود شهید است) (۶۶).

الله (متعال) نوامیس مسلمانان را با حرام قرار دادن غیبت فرد مسلمان در موردی که از آن بد می برد مگر این که حق باشد و حد متهم ساختن مسلمان به جرم های اخلاقی، مانند زنا، و لواطت، بدون اینکه اثبات شرعی داشته باشد حفظ می کند...

الله (متعال) نسب‌ها را از اختلاط نامشروع حفظ نموده (۶۷)، و از زیر پا شدن نوامیس توسط جرم‌های اخلاقی جلوگیری نموده است، و زنا را حرام بزرگ پنداشته و آن را از بزرگترین گناه دانسته است: و هرگاه شروط زناکاری بالای کسی اثبات شود، جزای سنگین که حد زنا است بالای وی تطبیق می‌گردد.

الله (متعال) مال‌ها را با حرام‌قرار دادن دزدی، فریبکاری، قمار، رشوت، و غیره درآمدهای حرام، و مشروع ساختن جزای دزد و رهن با تعیین کردن قطع دست در صورتی که شروط آن وجود داشته باشد حفظ نموده است. اما اگر شروط حد تکمیل نباشد جزای غیر از حدود تعیین نموده است تا سبب ترس دزدان شده و در آینده به این کار رونیاورند.

کسی که این حدود و مجازات را مشروع کرده است همانا الله (دانا و با حکمت است)، این مجازات را سبب محو گناهان مجرمان مسلمانان قرار داده است تا این که جامعه از شر آنها و دیگران محفوظ باشد. دشمنان اسلام که قتل قاتل و قطع دست دزد را عیب و نقیصه می دانند، آنها در واقع قطع عضو بیمار و گندیده را از جامعه عیب می دانند، اگر آن عضو قطع نگردد، فساد او به تمام افراد جامعه سرایت می کند (۶۸)، این در حالیست که آنها جهت رسیدن به اهداف ظالم خود، کشتن مردم بی گناه را عمل نیکی می پندارند.

هفتم: در سیاست خارجی:

الله متعال برای مسلمانان و زمامداران آنها امر نموده است تا غیر مسلمانان را به اسلام فرا بخوانند، تا آنها را

از تاریکی کفر نجات داده و به روشنایی ایمان به الله رهنمایی کنند.

و آنان را از بدبختی آغشته شدن در مادیات زندگی دنیا و محروم بودن از خوشبختی روح و روانی که مسلمانان از آن بهرمندهستند بر حذر بدارند.

و این امر الله است برای مسلمان که: توسط صالح

بودن خود، برای همه انسان ها مفید باشد، بر خلاف دستور و قوانین وضعی بشر، باید برای نجات تمام بشر تلاش نماید؛ چون قوانین وضعی بشر از مردم میخواهد که صرف یک شهروند صالح باشد، و این دلیل برای فساد و نقص قوانین بشری، و کامل و بهتر بودن اسلام است.

الله متعال مسلمانان را تا حد توان برای آمادگی و دفاع در برابر دشمنان ایشان فرا میخواند، تا از اسلام و

مسلمانان حمایت نموده و دشمنان الله و دشمنان خود را در هراس بیاندازند.

همچنان الله متعال برای مسلمانان بستن قرارداد و تعهدات را با غیر مسلمانان روا دانسته، البته هنگام ضرورت و در سایه یی شریعت اسلامی، و نقض پیمان بسته شده با غیر مسلمانان را حرام گردانیده است، مگر اینکه از طرف دشمن نقض گردد، و یا کاری را انجام دهند که موجب نقض پیمان شود، و مسلمانان آن را نقض بپندارند، در این صورت مسلمانان میتوانند پیمان را نقض نمایند.

قبل از آغاز نبرد با کافران، الله متعال مسلمانان را امر میکند تا در قدم نخست کافران را به اسلام فراخوانند، اگر اسلام را نپذیرفتند از ایشان جزیه بگیرند و شریعت الهی را قبول کنند (۶۹)، اگر جزیه و شریعت الهی را هم

نپذیرفتند با ایشان باید بجنگند تا فتنه و فساد (۷۰) از ریشه برکنده و همه دین از آن الله باشد.

و هنگام جنگ الله (متعال) قتل کودکان، زنان، بزرگسالان و متولیان عبادت گاه آنها را منع قرار داده است، مگر اینکه این گروه با جنگجویان با کار و یا ابراز نظر اشتراک ورزند.

همچنان مسلمانان را امر نموده با اسیران جنگی تعامل خوب داشته باشند. از این مبدا فهمیده میشود که هدف جنگ در اسلام تسلط و استعمار نبوده بلکه پخش حق و رحمت برای همه مخلوقات، و بیرون آوردن مردم از پرستش مخلوق به پرستش خالق می باشد.

هشتم: آزادی:

الف: آزادی عقیده

هرگاه غیر مسلمان به دین اسلام مشرف میشود و زیر سایه یی آن میایند، الله متعال برایش آزادی عقیده میدهد، البته بعد از دعوتش به اسلام و بیان سجایای آن، اگر اسلام را پذیرفت در حقیقت سعادت و نجات خود را تضمین نمود، ولی اگر اصرار بر دین خود داشت، در واقع برای خود بدبختی، و عذاب جهنم را انتخاب نموده است.

به این ترتیب بر وی حجت قایم گردید و هرگز در مقابل الله متعال معذور نمیشد. اینجاست که مسلمانان وی را بر دین خودش رها میکنند، مشروط بر اینکه جزیه را با دست خود و با کمال عاجزی بپردازد.

به احکام و فیصله های اسلام احترام بگذارد، و هرگز شعائر و مراسم کفری خویش را در مقابل چشمان مسلمانان ادا نکنند.

اما برای مسلمان ترک و یا خروج از اسلام بعد از داخل شدن در آن جواز ندارد، هرگاه از اسلام خارج شد، کیفرش قتل میباشد، با وجود اینکه حقانیت اسلام را درک نموده و از اسلام خارج گردیده، زنده بودنش به خیر و صلاح نیست، مگر اینکه به الله توبه کند و به اسلام برگردد. (۷۱)

اگر مرتد شدن او بنا بر نقض باطل کننده یی اسلام باشد، در این صورت از عمل خویش ابراز پشیمانی نموده و آن را بد پنداشته و هرگز به آن برنگردد و از الله (متعال) طلب مغفرت نماید.

نواقض اسلام زیاد است؛ مشهورترین آن عبارت است از:

به الله (متعال) شرک ورزیدن، به این معنی که بنده با الله کسی دیگر را به خدایی بگیرد، حتی اگر او را فرابخواند، واسطه و وسیله برای نزدیک شدن به الله قرار دهد، هر چند اگر به الوهیت الله از لحاظ نام و معنی کلمه اله و عبادت را بداند - مانند مشرکان زمان جاهلیت، بت های منسوب به مردم نیک را پرستش مینمودند تا مورد شفاعت ایشان قرار گیرند-، و یا کسانی که به بوجود همتایی با الله اعتراف نمی کنند و اینکه عبادت آنها مانند عبادت به الله است مانند مشرکان که خود را منسوب به اسلام می دانند، کسانی که دعوت به توحید را نمی پذیرند، آنها بر این گمان هستند که شرک

تنها سجده کردن به بت را گوید، و یا این که بنده بی به غیر الله بگوید: تو خدای من هستی.

آنها مانند کسانی هستند که شراب مینوشند بدون اینکه آن را شراب بنامند، چنانچه قبلا روی حالت این گونه مردم را بیان نمودیم، الله (متعال) می فرماید: (الله را پرستش کن در حالی که دین را برای او خالص گردانیده باشی) (۲)

آگاه باشید! که دین خالص ویژه ی الله است، و آنان که به جای الله دوستانی برگزیده اند می گویند: ما آنان را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به الله نزدیک کنند، نمی پرستیم بی تردید الله میان آنان (و مومنان) در باره آنچه که اختلاف می کنند، (و آن آیین توحید و شرک است) داوری می کند؛ قطعا الله آن کس را که دروغگو و بسیار ناسپاس است، هدایت نمی کند (۳).

(الزمر: ۳-۲)

الله (متعال) میفرماید: اوست الله آفریننده و پروردگار شما، که همه ملک هستی اوست، و به غیر او معبودانی که به خدایی می خوانید در جهان دارای پوست هسته خرمایی نیستند (۱۳) اگر آنها را بخوانید نشنوند و اگر بشنوند به شما جواب ندهند، و روز قیامت از این که آنان را شریک الله دانستید بیزاری جویند، و هیچ کسی مانند الله دانا تو را آگاه نگرداند (۱۴). (فاطر: ۱۴-۱۳)

۱. کافر نه شمردن مشرکان و دیگر کفار: مانند یهود، نصارا، ملحدان، آتش پرستان و طاغوتانی که خلاف آنچه الله (متعال) نازل نموده حکم و فیصله کرده، به فیصله الله (متعال) راضی نباشند، با وجود فهم و دانایی کسی که آنها را تکفیر نکند خود آن شخص کفر ورزیده است.

۲. جادویی که منجر به شرک بزرگ شود، کسی که جادو نماید و یا به آن راضی باشد و بداند که این عمل کفری است، این شخص کافر شده است.

۳. کسی که معتقد باشد که نظام و شریعتی غیر از اسلام بهتر است و یا فیصله های دیگران بهتر و شایسته تر از فیصله های محمد (صلی الله علیه وسلم) است، و یا این که خلاف فیصله های محمد (صلی الله علیه وسلم) فیصله کردن جواز دارد.

۴. دشمنی با محمد (صلی الله علیه وسلم) و یا با چیزی از شریعت او.

۵. تمسخر (۷۲) بر چیزی که مربوط به دین اسلام باشد.

۶. نفرت از پیروزی اسلام، و یا خرسندی به عدم

پیروزی آن.

۷. تمایل به کافران، از طریق دوستی و کمک با آنها، در

حالی که می داند پشتیبانی آنها وی را در زمره یی ایشان
قرار می دهد.

۸. معتقد بر این باشد که میتوان از شریعت محمد

(صلی الله علیه وسلم) سرپیچی کرد، در حالیکه

بداند در هیچ موردی نمی توان از شریعت او خارج شد.

۹. رو گشتاندن از دین الله. کسی که پس از یادآوری

به او، از اسلام روگرداند، او را نیاموزد و بر آن عمل

ننماید، در واقع کفر ورزیده است.

۱۰. انکار از حکم احکام متفق علیه اسلام که از آن بی خبر نمی توان بود. دلایل بر اینگونه نواقض و باطل کننده ها در قرآن و سنت زیاد است.

ب: آزادی دیدگاه:

الله (متعال) آزادی دیدگاه را در اسلام مشروط بر اینکه با ارزش های اسلام در تضاد نباشد جایز می داند، بنابراین اسلام امر می نماید تا سخن حق باید بیان شود و در گفتن آن از ملامتی کسی در هراس نباشد، و آن را بهترین جهاد نامیده است، چنانچه مسلمان را امر نموده است تا رهبر و زعیم مسلمانان را نصیحت نموده و از کارهای خلاف منع نماید، و کسی که بسوی باطل دعوت می کند باید از موارد باطلش جواب دهد و او را از همچو کار منع نماید، و این بهترین و بزرگترین نظام ارج گذاری برای ابراز نظر است. اما دیدگاه مخالف با شریعت الهی هرگز مجاز

نیست چون این گونه ابراز نظر بربادی، فساد و جنگ علیه حق را در پی دارد.

ج: آزادی فردی

الله (متعال) در اسلام آزادی فردی را مشروط بر اینکه در چارچوب شریعت مطهر اسلام باشد مجاز می داند. پس برای انسان - مرد و یازن - در تصرفات و تعاملی که با دیگران دارند آزادی بخشیده است، مانند خرید و فروش، هدیه، وقف، بخشش. همچنان برای مرد و زن در انتخاب همسر آزادی داده است، و در صورت عدم رضایت نباید از اعمال فشار و جبر کار گرفته شود. در صورتی که زن، مردی را برای خود انتخاب نماید که از لحاظ دین باهم برابر نباشند، در این صورت جهت حفظ عقیده و شرف زن، این اختیار برایش داده نمی شود، این

گونه ممانعت برای مصلحت خود و خانواده اش می باشد.

سرپرست زن نزدیکترین مردها از لحاظ نسب برای او است، و یا وکیل (کسیکه مسولیت عقد نکاح او را دارد)؛ جهت عدم شباهت با زن بدکار، زن نمی تواند نفس خود را در نکاح کسی بیاورد. برای شوهر گفته میشود: فلان را در عقد تو درآوردم، شوهر با حضور دو شاهد در مجلس عقد در جواب می گوید: این عقد را قبول کردم، .

و اسلام هرگز برای مسلمان اجازه تجاوز از حدود شریعت را نمی دهد، چون خودش و اشیایی را که در اختیار دارد مِلکِ الله است، پس تمام کارهای او باید مطابق به شریعت الهی (که رحمت برای بندگانش هست) باشد، کسی که به آن چنگ بزند راهیاب و خوشبخت می شود،

و کسی که مخالفت او را نماید هلاک و بدبخت می شود؛ بنابر این الله متعال زنا و لواطت را شدیداً تحریم نموده است. همچنان خودکشی و تغیر در خلقت الهی را بر مسلمان حرام گردانیده است.

اما به کوتاه کردن سبیل (بروت)، ناخون، و تراشیدن موهای زیر ناف، و کندن موی زیر بغل و ختنه کردن، الله متعال به آن امر نموده است.

الله متعال تشبه مسلمان به آنچه که از خصوصیت های غیر مسلمانان می باشد حرام دانسته است؛ چون شبیه ساختن و دوستی با غیر مسلمانان در موارد ظاهری منجر به شباهت با آنها گردیده و محبت ایشان در قلب جاگزین می شود.

الله متعال می خواهد که مسلمان مصدر فکر اسلامی درست باشد، نه اینکه وارد کننده یی اندیشه و فکر بشر باشد.

همچنان الله متعال می خواهد که مسلمان تقلید کننده نبوده بلکه الگوه نیک باشد.

اما در رابطه به صناعت و تجربه های فنی خوب، اسلام به گرفتن و فراگیری آن امر نموده است، حتی اگر غیر مسلمان به آن سبقت کرده باشد؛ چون الله متعال آموزگار انسانها است، الله متعال می فرماید: (چیزی را که انسان نمی دانست برایش آموخت). (العلق: ۵)

و این بالاترین مقام نصیحت و اصلاح برای انسان جهت آزادی، حفظ کرامت، و حمایت او از شر نفس خودش و شر دیگران میباشد.

د: آزادی مسکن:

الله متعال برای مسلمان آزادی مسکن داده است، وارد شدن به مسکن کسی بدون اجازه او برای هیچ کس مجاز نیست، همچنان نگاه کردن به مسکن او بدون اجازه جواز ندارد.

ه: آزادی کسب و کار:

الله متعال برای مسلمان آزادی کسب و خرج را در حدود شریعت اسلامی داده است، و او را به کار و کسب امر نموده تا نیازمندی های خود و خانواده خود را رفع و در راه خوب و نیک خرج نماید.

همزمان با این، الله متعال کسب حرام را حرام قرار داده است، مانند: سود، قمار، رشوت، دزدی، پول گرفتن در مقابل فالبینی، سحر، زنا، لواطت. همچنان پول در مقابل اشیای حرام مانند رسامی زنده جان (۷۳)، شراب، خوک،

وسایل بازی حرام، آواز خوانی و رقص را نیز حرام قرار داده است.

چنانچه کسب کردن از طریق این راه ها حرام بوده است خرج کردن در این راهها نیز حرام می باشد و مسلمان نباید بجز راه مشروع در راه دیگری پول خود را به مصرف برساند. و این بالاترین مقام نصیحت و اصلاح برای انسان در کسب و خرج کردن اوست تا از راه کسب حلال زندگی بی نیازی و خوشبخت داشته باشد.

نهم: در مورد خانواده:

الله متعال نظام خانوادگی را به کاملترین شکلی تنظیم نموده است که برای تطبیق کنندگان آن اسباب خوشختی را به ارمغان میآورد. احسان و نیکویی با والدین، سخن گفتن زیبا، و زیارت آنها بشکل دوامدار (ولوکه دور باشند)، خدمت و رفع نیازها، خرج کردن، و تهیه نمودن

مسکن (درحالی‌که فقیر باشند) را واجب دانسته است. کسی که به والدین خود رسیدگی نمی‌کند، الله متعال او را به جزا وعده نموده است چنانچه کسی را که با ایشان نیکویی می‌کند به خوشبختی وعده نموده است. ازدواج را مشروع دانسته و حکمت آن را هم در کتاب خود و توسط پیامبر خویش (صلی الله علیه وسلم) بیان نموده است.



حکمت مشروعیت ازدواج

۱. توسط ازدواج بزرگترین اسباب عفت و پاکدامنی که همانا حفظ فرج از زنا، و حفظ چشم از دیدن حرام فراهم می شود.

۲. توسط ازدواج آرامش و اطمینان برای زن و شوهر به میان میاید؛ چون الله متعال در میان آنها محبت و رحمت را قرار داده است.

۳. توسط ازدواج تعداد مسلمانان از راه مشروع افزایش میابد که در آن پاکی و صلاح نهفته می باشد.

۴. توسط ازدواج زن و شوهر خدمت یکدیگر را می کنند، این در حالیست که هر یک وظیفه خویش را با طبیعتی که الله متعال به آن او را آسارته نموده است انجام می دهد.

پس مرد بیرون از خانه مشغول کسب و کار می‌باشد؛ تا بالای خانم و فرزندان خود خرج کند، و خانم داخل خانه کار می‌کند، مسئولیت بارداری، شیردهی، تربیت کودکان، آماده کردن غذاء برای شوهر، و خانه داری و همبستری را بدوش می‌گیرد. هرگاه شوهر خسته و غمگین وارد خانه شود، با دیدن خانم و فرزندانش تمام خستگی و غم از او دور شده و همه خوش و آرام زندگی می‌کنند. و در صورت رضایت شوهر، خانم می‌تواند در کنار شوهرش او را در کسب و کاریاری رساند، مشروط بر اینکه با مردان اختلاط نداشته باشد مانند اینکه در خانه و یا در باغ مخصوص خود خانم و یا شوهر و اهل شوهر وی باشد.

اما کاری که منجر به اختلاط با مردان در فابریکه‌ها، دفاتر و یا فروشگاه‌ها و یا جاهای دیگر باشد؛ این نوع

کار برای زن جواز ندارد. اگر زن در همچو جاهای مختلط راضی باشد، شوهر، والدین و اقارب زن باید مانع وی گردند، چون اینگونه کار زن و جامعه را به فساد میکشاند. هرگاه زن در خانه خود در حفظ و مصئون باشد و با مردان اختلاط نداشته باشد در امان کامل میباشد، دستهای گنهکار به وی نرسیده و چشمان خاین و بیمار به وی نگاه نمی کند. اما هرگاه زن در میان مردم باشد مانند گوسفند در میان گرگها ضایع و نابود می گردد، شاید وقت زیادی نگذرد که شرف و کرامت او توسط همان گرگها پاره شود.

اگر شوهر به یک خانم اکتفا نکرد، الله متعال برایش تعدد (بیشتر از یک خانم) را تا چهار خانم روا دانسته است مشروط بر اینکه تا حد توان عدالت را از لحاظ مسکن، خرچ و شب سپری کردن را میان آنها مراعات

کند، اما در محبت قلب عدالت شرط نیست، چون آن چیزی است که در اختیار انسان نبوده و از آن پرسیده نمی شود، و عدالتی که الله متعال مراعات آن را در قرآن کریم غیر ممکن دانسته است: **(وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ).**

(هرگز در میان زنان عدالت نمی توانید هر چندی که تلاش کنید). (النساء: ۱۲۹)

آن عبارت از محبت و مواردی متعلق به آن می باشد، این عدالتی است که الله متعال در عدم تحقق آن تعدد خانم ها را منع نکرده است؛ چون این کار قابل تحقق نیست. الله متعال برای پیامبران خویش و کسانی که توان عدالت را دارند، تعدد خانم ها را جایز دانسته است؛ چون الله متعال بهتر میدانند که به صلاح ایشان است، و در موضوع تعدد خانم ها خیر مردان و زنان نهفته می

باشد؛ چون مرد سالم دارای توانایی جنسی بوده که نیازمندی جنسی چهار زن را بر آورده نماید و آنها را پاکدامن نگهدارد. و اگر به یک خانم اکتفا شود چنانچه حال نصرانیها (۷۴) و دیگران است، و چنانچه دعوتگران اسلام نابسامانی های اکتفا به یک خانم را بیان داشته اند، فساد های ذیل به میان می آید:

نخست: اگر شوهر مومن و فرمانبردار الله بوده و از او خوف داشته باشد، احساس محرومیت می نماید و فکر می کند خواسته های حلال نفس او خفه و سلب شده است؛ چون کسی که یک خانم داشته باشد او را در مرحله اخیر بارداری، حیض و نفاس، و بیماری های دیگر از لذت بردن خانم اش محروم میسازد، و بعضی حالات زندگی را طوری سپری می کند که گویا بدون خانم باشد؛ این درحالیست که اگر خانم و شوهر یکدیگر

را دوست داشته باشند، اما اگر خانم اش را دوست نداشته باشد ضرر او بیشتر خواهد بود.

دوم: اگر شوهر گنهکار و خاین باشد او مرتکب عمل زشت زنا شده و از خانم خود منصرف می شود. و بیشترین کسانی که بر خلاف تعدد خانم ها هستند به عمل زشت زنا و خیانت رو میاورند که در آن تعدد بیشمار می باشد. و سخن بزرگتر اینکه اگر کسی بر خلاف تعدد خانم مبارزه می کند به کفر محکوم میشود، با وجود اینکه مشروعیت تعدد را می داند، عیبهای آن را نشر می نماید در حالیکه الله متعال آن را مباح گردانیده است.

سوم: اگر تعدد خانم منع گردد، بیشتر زن ها از ازدواج و بچه دار شدن محروم می شوند، زن پاکدامن و صالح بشکل مسکین و محروم زندگی می کند، و از طرف

دیگر مجرمان با عزت و ناموس زن بد کار و تن فروش بازی می کنند.

طوری که همه میدانند مردان به تناسب زنان به علت جنگ ها و کارهای پر خطری که انجام می دهند بیشتر در معرض مرگ قرار می گیرند.

چنانچه موضوع برای همه روشن است زن از آغاز بلوغ به ازدواج آماده می باشد، ولی تمام مردان از آغاز بلوغ آماده ازدواج نیستند؛ چونکه بیشترین مردها بسبب پرداخت مهر و مصارف ازدواج نمی توانند ازدواج کنند ... و غیره.

بنابر این معلوم میشود که اسلام در حق زن انصاف و رحم نموده است اما کسانی که بر خلاف تعدد خانم مبارزه می کنند، آنها در واقع دشمنان زن، شرافت، و سنت پیامبران هستند، چون تعدد خانم ها سنت و روش

پیامبران (علیهم السلام) میباشد، و آنها در چارچوب شریعت الهی با بیشتر از یک خانم ازدواج می کنند.

هرگاه شوهر با خانم دیگر ازدواج نماید و خانم نخست احساس غیرت و اندوه نماید، این کار او جنبه یی عاطفی دارد و نمی توان عاطفه را در برابر چیز مشروع ترجیح داد. خانم می تواند قبل از عقد ازدواج شرط ببندد که شوهرش نباید با خانم دیگری ازدواج نماید، اگر شوهر این شرط را پذیرفت باید به آن پابند باشد، هرگاه شوهر تصمیم ازدواج خانم دیگر را بگیرد خانم نخست اختیار دارد که با شوهر خود بماند و یا عقد را فسخ نماید، و چیزی را برای خانم داده است نباید مسترد نماید.

الله متعال طلاق را بگونه خاص هنگام اختلاف و عدم محبت بین زن و شوهر جایز دانسته است؛ تا در بدبختی و اختلاف زندگی نکنند، و هر یک برای خود همسری را

سراغ نماید که با او در زندگی دنیوی و اخروی (۷۵) خوشبخت باشد، اگر هردو با اسلام از دنیا رحلت نماید.

دهم: در مورد بهداشتی:

شریعت اسلامی اساس و پایه های تمام پزشکی را بیان نموده است، در قرآن کریم و احادیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بیشترین بیماری های روانی و بدنی را بیان و علاج مادی و روانی آن را توضیح داده است؛ الله متعال می فرماید: **(وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ).**

و ما آنچه را برای مومنان مایه درمان و رحمت است نازل می کنیم). (الاسراء: ۸۲)

و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (الله متعال هیچ بیماری و دردی را نفرستاده، مگر آن که برای

آن، دارو و علاجی آفریده است، خواه مردم بدانند یا ندانند (۷۶).

و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (تداوی کنید، با حرام تداوی نکنید) (۷۷)

و در کتاب "زاد المعاد فی هدی خیر العباد" از علامه امام ابن القیم شرح این موضوع است، به آن باید مراجعه شود، چون آن از کتابهای سودمند، صحیح ترین و فراگیرترین کتابهای اسلامی برای شرح اسلام و سیرت خاتم پیامبران محمد (صلی الله علیه وسلم) است.

یازدهم: اقتصاد، تجارت، صناعت و زراعت: و آنچه نیاز مردم است از قبیل آب، غذا، فواید عامه و تنظیم مواردی که جهت ترمیم قریه جات و شهرها به کار می رود، پاکی و تنظیم راه های آن، و مبارزه با فریبکاری و

دروغ و غیره موارد دیگر، تمام این موارد در اسلام بشکل تفصیلی و با بهترین شکل آن بیان گردیده است.

دوازدهم: در مورد توضیح دشمنان پنهانی و راه نجات از آنها: الله متعال در قرآن کریم برای بنده مسلمان خود بیان نموده است که برای او دشمنان است اگر با آنها تمکین و گرایش نماید، او را در دنیا و آخرت به هلاکت سوق می دهند، الله متعال بنده خود را از آنها هشدار داده و راه نجات از آنها را بیان نموده است:

نخستین آنها شیطان لعنت شده است: او کسی است که دشمنان دیگر را بر علیه انسان تحریک می کند. او دشمن پدر ما آدم و مادر ما حواء است، کسی که آنها را از بهشت بیرون نمود. او دشمن همیشگی تا پایان دنیا برای فرزندان آدم است و تلاش مینماید تا آنها در کفر به

الله بیاندازد و همراهی او (خدانخواستہ) در جہنم تا ابد یکجا بمانند.

و کسی را کہ نتواند کافر نماید او را در گناہانی کہ منجر بہ قہر، غضب و عذاب اللہ می شود می اندازد.

شیطان روحیست کہ در انسان مانند خون جریان دارد، در قلبش اش و سوسہ میاندازد، شر را برایش خوب جلوہ می دہد تا او در آن گیر بیاید.

و راه نجات از او را اللہ متعال بیان نموده است کہ ہر گاہ مسلمان خشمگین گردید و یا تصمیم بہ معصیت نمود، باید (اعوذ باللہ من الشیطان الرجیم) بگوید، و از خشم و غضب خود کار نگیرد و ہرگز بہ معصیت تن ندهد، و باید بداند کہ تحریک کننده یی برای این معصیت و گناہ شیطان بودہ تا او را در پرتگاہ ہلاکت بیاندازد و بعد از آن شیطان از او بیزاد می شود، اللہ متعال می فرماید: **(إِنَّ**

الشَّيْطَانُ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا
مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ).

شیطان دشمن شما است، شما هم او را به دشمنی بگیرید،
او حزب و سپاهش را فرا می خواند تا همه مانند او اهل
دوزخ باشند). [فاطر:6].

دشمن دوم: خواهشات نفسانی است؛ از جمله آن شعور
و احساس انسان در رغبت به رد کردن حق است اگر از
طرف کس دیگر مطرح شود. تمایل به نپذیرفتن حکم
الهی؛ چونکه خلاف خواست او بوده است نیز از جمله
خواهشات نفسانی است. و همچنان از جمله خواهشات
نفس و هوا مقدم شمردن عاطفه بر حق و عدالت میباشد.
راه نجات از این دشمن توسط پناه جستن به الله از پیروی
هوا است، و هرگز به ندای هوا لبیک نگفته و آنرا دنبال

نکند، بلکه حق را بیان نموده و بپذیرد هرچند سخت و تلخ هم باشد، و از شیطان به الله متعال پناه ببرد.

دشمن سوم: نفس امر کننده به زشتیها است: از جمله امرهای بدی که انسان آن را احساس می کند تمایل به عمل شهوت حرام مانند زنا، نوشیدن شراب، و خوردن روزه ماه رمضان بدون عذر شرعی، و غیره اموری که الله متعال آن را حرام گردانیده است می باشد. راه نجات از این دشمن پناه بردن به الله متعال از شر نفس و شیطان می باشد، و کسی که در برابر شهوت حرام صبر مینماید و از آن برای خشنودی الله متعال دوری میجوید، مانند کسی که اشتهایی خوردن و نوشیدن را داشته باشد و خوردن آن برایش ضرر می رساند و متوجه می شود که این شهوت حرام زودگذر است که ندامت و حسرت دوامدار را در پی دارد.

دشمن چهارم: شیطانان انسی: آنها بنی آدم های گنهکار اند که شیطان آنها را بازیچه خود قرار داده و آنها منکرات را انجام می دهند، و منکر را برای همنشینان خود نیز خوب جلوه می دهند. راه نجات از این نوع دشمن: همانا بر حذر داشتن، دوری و عدم اشتراک در مجالس آنها است.

سیزدهم: در مورد هدف والا و زندگی خوشبخت است: هدف والا که الله متعال بندگان خود را به آن رهنمایی مینماید زندگی این دنیا و چیزهای فریبنده ... آن نبوده بلکه آمادگی برای آینده واقعی و جاویدان میباشد، و آن زندگی آخرت پس از مرگ است؛ و مسلمان واقعی زندگی این دنیا را هدف نه بلکه وسیله و کشتزار برای زندگی آخرت میداند.

مسلمان دایم این گفتار الله متعال را بخاطر بیاورد: (من نیافریدم جن و انسان را مگر برای عبادت (خویش).
(الذاریات:56)

الله متعال میفرماید: (ای کسانی که ایمان آورده اید از الله بترسید، وهریک نگاه کند که برای فردای خود چه آماده کرده است، از الله بترسید، بدون شک الله به هر آنچه انجام می دهید آگاه است) (۱۸) (و همچو کسانی که الله را فراموش کردند و الله نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد نباشید، و آنها فاسق و گنهکارند) (۱۹) اهل بهشت و اهل دوزخ هرگز با هم برابر نیستند، اهل بهشت پیروز هستند. (۲۰) (حشر:۲۰-۱۸)

الله متعال میفرماید: (پس هر که به اندازه ذره ای نیکی کند - نتیجه - آنرا خواهد دید) (۷) (و هر که به اندازه

ذره ای بدی کند - نتیجه - آنرا خواهد دید). (۸)
(الزلزلة: 7-8).

مسلمان صادق این آیت ها و امثال آن را بخاطر میسپارد، چون الله متعال در آن بندگان خود را به هدف خلقت ایشان فرامیخواند، و مستقبلی که در انتظار آن اند حتما آمدنی است، و برای آن آینده یی حقیقی و ابدی توسط عبادت خالصانه یی الله متعال آمادگی میگیرد، و هر آنچه موجب رضایت وی قرار گیرد انجام میدهد تا باشد از وی راضی شود، وی را در زندگی دنیا به عبادت و اطاعت خود عزت میدهد و پس از مرگش جایش را در خانه یی کرامت قرار میدهد. در زندگی دنیوی زندگی خوب برایش عطا میکند و در حفظ و پناه الله قرار داشته میباشد، به نور و روشنایی الله میبیند ... به عبادت های که امر شده رو می آورد و از عبادت و مناجات الله بی

نهایت لذت میبرد، الله را در دل و زبان خود یاد میکند که سبب آرامش قلبش میگردد.

به گفتار و پندار خود همراهی مردم نیکی میکند، و از مردم نیک پیرامون نیکی های که برای شان انجام داده است می شنود، از حسودان و احسان ناشناسان انکار خوبی های خود را می شنود، با این هم نیکی و خوبی خود را از آنها دریغ نمیکند، چون هدف او از احسان با مردم جز رضامندی و پاداش الهی چیزی دیگری نبوده است.

هرگاه از مردم شریر دین ستیزان در برابر اسلام و اهل اسلام تمسخر و اهانت میشوند به یاد داستان های پیامبران الهی میافتد، و میداند که اینهمه در راه الله متعال است پس در ثبات و دوست داشتن اسلام بیشتر میکوشد.

در دفتر، مزرعه، فروشگاه و فابریکه پی خود کار میکند تا با دست آوردهای خویش مصدر خدمت برای اسلام و مسلمانان گردد، و با این کار و اخلاص نیک خویش پاداش الهی را در روز ملاقات الله متعال حاصل نماید، همچنان سبب درآمد حلال برای نفقه خود و خانواده اش میگردد، و از آن راه الله صدقه میدهد که سبب قناعت، شرف و غنای قلبی وی میگردد.

از الله خواهان پاداش میشود؛ چون الله متعال مومن نیرومند و صاحب حرفه را دوست میدارد، بدون اسراف میخورد، مینوشد و میخوابد، تا که بدنش برای عبادت و اطاعت قوت بیشتر کسب کند، برای اینکه خود و همسرش در حرام آغشته نشوند و صاحب فرزندان شوند، باهم همبستر میشوند، تا اینکه فرزندان شان عبادت الله را انجام دهند و برای ایشان در زندگی و بعد

از مرگ دعا نمایند که این امر سبب ادامه عمل نیک والدین میشود، و از جانب دیگر تعداد مسلمانان بیشتر میشود، و مستحق پاداش الهی میگردند. و در مقابل تمام نعمت های که سبب عبادت و اطاعت بیشتر میگردد سپاسمند الله میشود و اعتراف میکند که این همه از جانب الله متعال است، و الله برایش اجر میدهد، و هرگاه برایش گرسنگی، ترس، بیماری و سختی ها برسد، میداند که امتحانی است از جانب الله متعال، و اینکه الله صبر و رضامندی وی را در برابر تقدیرات الهی ببیند (در حالیکه الله از حال وی با خبر است)؛ این بنده صالح صبر، رضامندی، و ستایش الله را پیشه میکند تا به پاداشی که برای صبرکنندگان تعیین شده است نایل گردد، پس این همه مصیبت ها را میپذیرد، همانگونه که بیمار تلخی دارو را جهت بهبودی خود میپذیرد.

اگر مسلمان در این دنیا طبق اوامر الله و با همین روحیه برای آینده یی واقعی جاویدان زندگی کند؛ بدون شک سعادت همیشگی را نصیب خواهد شد که هیچگونه پریشانی که در زندگی دنیا وجود داشت، وی را پریشان نمیتواند، و نه مرگ سبب قطع شدن خوشبختی وی میگردد، و بدون شک او خوشبخت زندگی دنیوی بوده و همچنان در زندگی بعد از مرگ سعادت نصیبش میشود. الله متعال میفرماید: (ما این سرای (بهشت ابدی) آخرت را برای آنان که در زمین اراده بالایی و فساد و سرکشی ندارند مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت خاص پرهیزگاران است). (القصص: ۸۳).

و راست گفت الله متعال، چنانچه میفرماید: (هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به الله به جا آورد ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده می گردانیم و اجر

بسیار بهتر از عمل نیکی که می کردند به آنان عطا می کنیم). (النحل: ۹۷).

در آیت قبلی و امثال آن الله متعال میفرماید: هر مرد و زن نیک اگر فرمانبرداری الله را جهت کسب رضامندی اش در این زندگی بجا آرند، ایشان را به پاداش بی درنگ در زندگی دنیوی که همانا زندگی خوب و خوشبخت است (طوریکه قبلا تذکر داده شد)، و پاداش در آینده بعد از مرگ، که همانا نعمت های بهشت جاویدان است برایشان داده میشود.

و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: (تعجب است به کار مومن، تمام کارها بخیر او است، و برای هیچ کسی دیگر نیست، اگر برایش خیر و خوشبختی برسد، شکر الله را ادا میکند که این کار بخیر اوست، اگر

برایش مشقت و تکلیف برسد صبر میکند، و این کار هم
بخیر اوست) (۷۹)

به این ترتیب واضح گردید که فکر و اندیشه سلیم تنها در
دین مقدس اسلام وجود دارد، و معیار درست برای
تفکیک خوب و زشت، قانون کامل و عادل، و تمام دیدگاه
های که در علم روانشناسی و جامعه شناسی، تربیت،
سیاست، اقتصاد، و تمام نظام های بشری باید بر اساس
داشته های اسلام مورد تصحیح قرار گیرد، و از آن الهام
بگیرد. اگر چنین نشود مخالفین آن نه تنها موفق
نمیشوند، بلکه سبب بدبختی دنیا و آخرت آنها میگردد.



* فصل پنجم *

* کشف شماری از شبهات *

نخست: کسانی که به اسلام اهانت میکنند:

بیشتر کسانی که به اسلام اهانت میکنند دو گروه هستند:

گروه اول: کسانی که منسوب به اسلام هستند و دعوای

مسلمان بودن را میکنند، در حالیکه آنها در گفتار و پندار

خود مخالفت اسلام را میکنند، به کارهایی رو میاورند

که اسلام از آن بیزار است، آنها هرگز از اسلام نمایندگی

نمیتوانند، و عملکردشان نباید به اسلام منسوب شود، از

آن جمله:

الف: کسانی که عقیده بی منحرف دارند: مانند کسانی که

در اطراف قبرها طواف میکنند و برای رفع مشکلات

برای مردگان رجوع میکنند، و فکر میکنند که مردگان نفع و ضرر می‌رسانند (۸۰)، و غیره امور دیگر.

ب: بی دینان و بد اخلاقان:

اوامر و فرایض الله را ترک نموده و به محرمات الله رو میاورند، مانند زنا و شراب نوشی و غیره امور حرام. دشمنان الله را دوست می‌دارند و خود را مانند آنها می‌سازند.

ج: کسانی که به اسلام توهین میکنند، خود مسلمانان

هستند، ایمان آنها به الله ضعیف و تطبیق آموزه های اسلام شان ناقص میباشد، در برپا داشتن واجبات مقصر هستند در حالیکه آن را ترک نمی‌کنند، به بعضی امور حرام که به درجه یی شرک اکبر نمیرسد رو میاورند، و مانند شرک انواع دیگر امور کفری را هم انجام میدهند، همچنان شماری از عادت ها و رواج های ناپسند و حرام

که اسلام از آن بیزار میباشد و عاملین اش را مرتکب گناه کبیره می پندارد مرتکب میشوند، مانند: دروغ، فریبکاری، وعده خلافی، و حسد.

این طبقه مردم به اسلام توهین می کنند؛ چون هرگاه غیر مسلمان این گونه عملکرد آنها را ملاحظه میکنند، فکر میکنند که اسلام برای مسلمانان همچو دستور را میدهد.

گروه دوم: کسانی که به اسلام توهین میکنند، آنها دشمنان اسلام، حسد و حقد کنندگان با اسلام اند، از آن جمله: مستشرقین، یهود، نصارا، و کسانی که از لحاظ حقد و کینه در مسیر آنها قرار دارند، آنها کسانی هستند که کمال، آسانی، و سرعت نشر اسلام آنها را به خشم میاورد، چون اسلام دین فطرت (۸۱) است، و به مجرد پیشکش شدن اسلام به فطرت آن را حتما می پذیرند. هر انسان غیر مسلمان در تشویش زندگی میکند، از دین و

مذهب خود راضی نمیباشد؛ چرا که دین و مذهب آنها با فطرت سلیم در تضاد هست، ولی مسلمان از دین خود راضی میباشد چون با فطرت و سرشت انسان سازگاری دارد، و تنها کسیست که از دین خود راضی و در خوشبختی به سر میبرد؛ چون اسلام دینی است که الله متعال آن را ساخته است، و ساخت الله حتما با فطرت سلیم مردم سازگار میباشد؛ بنابر این برای هر یهودی، نصرانی و کسیکه از اسلام فاصله دارند، میگوییم که : کودکان شما به فطرت اسلام به دنیا آمده اند، مگر شما و همسران تان آنها را از اسلام بسوی کفر توسط تربیت فاسد تان (چیزی که خلاف اسلام و مذاهب است) دور ساخته اید.

کینه دوزان مستشرق و مژده دهندگان نصارا به اسلام و خاتم النبیین دروغ و بهتان بستند:

۱. گاهی به دروغ پنداشتن رسالتش.
 ۲. گاهی به عیب در شخصیت رسول الله (صلی الله علیه و سلم)، در حالیکه رسول الله (صلی الله علیه و سلم) به گواهی الله متعال از هر نوع عیب و نقص مبرا بود.
 ۳. زشت معرفی کردن بعض احکام و فیصله های منصفانه یی اسلامی بخاطرتنفر مردم از اسلام ، احکامی که الله متعال آن را شریعت خویش قرار داده است.
- مگر الله متعال مکر آن ها را باطل میسازد، چون آنها میخواهند نور شریعت الهی را خاموش بسازند، در حالیکه پرچم حق دایم بالا میباشد و هیچ چیز بالایش قرار گرفته نمی تواند، الله متعال میفرماید: (آنها -

دشمنان اسلام - میخواهند نور و شریعت الهی را توسط دهن های خود خاموش بسازند، الله نور خویش را تمام میکند اگرچه کافران از آن نفرت داشته باشند) (۸) (او (الله) ذاتیست که پیامبرش را با هدایت و دین برحق فرستاده است تا آن را پیروز سازد بالای تمام ادیان دیگری اگرچه مشرکان از آن نفرت داشته باشند) (۹). (صف: ۸-۹).

دوم: مصادر اسلام

ای انسان عاقل! اگر میخواهی حقیقت اسلام را بدانی، قرآن را تلاوت کن و احادیث صحیح رسول الله (صلی الله علیه وسلم) که در صحیح بخاری، مسلم، موطا امام مالک، مسند احمد بن حنبل، سنن ابی داود، سنن نسائی، و سنن ترمذی، و سنن ابن ماجه، و سنن دارمی گنجانیده شده است، مراجعه کن. همچنان سیرت النبی از ابن

هشام، تفسیر قرآن عظیم از علامه اسماعیل ابن کثیر، زاد المعاد از علامه ابن القیم، و غیره کتاب های امامان اسلام و اهل توحید و دعوت بسوی الله، امثال شیخ الاسلام احمد بن تیمیه، امام مجدد محمد بن عبد الوهاب، که الله متعال توسط او و امیر موحدین محمد بن سعود اسلام و عقیده توحید را در جزیره عرب و بعضی جاهای دیگر در قرن دوازدهم هجری بعد از نشر شرکیات، عزت بخشید مطالعه کن.

اما کتابهای مستشرقین و گروه منسوب به اسلام با منهج و دعوت او مخالف هستند، که شماری زیاد آنها قبلا تذکر داده شده است.

آنها اصحاب رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را مورد تعرض قرار میدهند، و بعضی آنها را دشنام میدهند، و برخی از امامان و داعیان راستین بسوی توحید امثال، ابن

تیمیہ، ابن قیم، محمد بن عبد الوهاب، دروغ می بندند، در واقع کتابهای آنان گمراه کننده است، هرگز فریب آن را نخورید و از مطالعه کردن آن پرهیزید.

سوم: مذاهب اسلامی:

تمام مسلمانان به یک مذهب (اسلام) هستند، مرجع آنها قرآن و سنت نبوی (صلی الله علیه وسلم) است. مگر چیزی که بنام مذاهب چهارگانه یاد میشود، حنبلی، مالکی، شافعی، و حنفی، منظور از این مذاهب مدارس فقهی اسلامی است که همان علماء اصول اسلام را در آن تدریس کرده بودند، مرجع تمام آن ها قرآن و سنت نبوی (صلی الله علیه وسلم) میباشد. اندک تفاوت دیدگاه که در مسایل فرعی در میان ایشان وجود دارد، هر عالم شاگردان خود را امر نموده است هر دیدگاهی که از قرآن و

سنت سر چشمه گرفته باشد باید پذیرند، حتی اگر دیدگاه سالم از عالم دیگر هم باشد.

مسلمان به پذیرفتن یکی آن ملزم نیست، بلکه به رجوع کردن به قرآن و سنت ملزم میباشد. اما کارها و تصرفات مخالف عقیده که برخی افراد منسوب به مذاهب چهارگانه انجام می دهند، از قبیل طواف در اطراف قبرها، و کمک خواستن از صاحب قبر، تاویل نادرست و مغلوط معنای ظاهری صفات الله، این گروه از مردم در مخالفت با امامان مذهب خویش قرار دارند؛ چون عقیده امامان مذاهب چهارگانه همانا عقیده یی مردمان نیک و صالح گذشته میباشد که قبلا در موضوع فرقه یی ناجیه تذکر داده شد.

چهارم: گروه های که از اسلام خارج هستند:

در جهان اسلام گروه هایی وجود دارند که از اسلام خارج میباشند، در حالیکه خود را مسلمان و منسوب به اسلام میدانند، مگر در حقیقت آنها مسلمان نیستند؛ چون عقیده یی آنها کفر به الله، آیات وی، و وحدانیت او است. از جمله یی آنها این گروه ها اند:

۱. گروه باطنی:

عقیده یی این گروه بر حلول و تناسخ (انتقال روح انسان پس از مرگش به موجود دیگر) میباشد، و اینکه متون دینی معنای باطنی دارد، بر خلاف معنای ظاهری که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) و اجماع مسلمانان بر آن هست بیان نموده اند، و معنای باطن را بر اساس رغبات و تمایل نفسانی خود میگذارند (۸۲)، حقیقت تشکیل گروه باطنیه از سوی جماعتی از یهود، مجوس، و

ملحدان فلسفی در سرزمین فارس بعد از نشرگسترده‌ی اسلام در سرزمین فارس آنها را به خشم آورد، به میان آمده است. برای ایجاد مذهب باهم مشاورت نمودند، برای از هم پاشی صف و انسجام فکری مسلمانان در رابطه به معنای آیات قرآن کریم؛ جهت ایجاد جدایی و اختلاف میان مسلمانان این مذهب تباه کننده را ایجاد نمودند و دیگران را به آن دعوت نمودند، و خود را به آل بیت منسوب مینمایند و ادعا دارند که ایشان آل بیت هستند؛ البته برای سهولت فریب دادن مردم عوام، و بالفعل توانستند که شماری زیادی از مردم جاهل و بی‌خرد را فریب بدهند و از جاده‌ی حق به جاده‌ی گمراهی بکشانند.

۲. گروه قادیانی: منسوب به غلام احمد قادیانی میباشد، کسی که دعوای پیامبری کرده بود، در کشور

هند و اطراف آن مردم را دعوت نمود تا به وی ایمان بیاورند. انگلستان زمان استعمار هند از وی و پیروانش (از طریق عرضه نمودن پول هنگفت) سوء استفاده نمودند، تا اینکه شمار زیاد مردم جاهل از وی پیروی کردند، پس از آن گروه قادیانی که به اسلام تظاهر میکنند به میان آمد. این گروه جهت فروپاشی اسلام و مسلمانان را از دایره ی اسلام تلاش می نماید. وی کتابی را بنام (تصدیق براهین احمدیة) تالیف نمود، و در آن دعوی نبوت کرد، و متن های اسلام را تحریف نمود، که از آن جمله ادعا نمود که حکم جهاد

در اسلام منسوخ شده است، و هر مسلمان باید با انگلیس صلح نماید. همچنان در آن زمان کتابی زیرنام: تریاق القلوب، را تالیف کرد. بعد از این کتاب اخیرش

که سبب گمراهی شمار زیاد از مردم شد او در سال ۱۹۰۸ میلادی وفات نمود، .

پس از وی فرد گمراه بنام (الحکیم نور الدین) جانشین و زعامت این گروه را بر عهده گرفت.

۳. از جمله گروه های خارج از دایره یی اسلام بنام

(بهایی) است، در آغاز قرن ۱۹ میلادی در ایران از طریق علی محمد و یا شخصی بنام محمد علی شیرازی، که از گروه شیعه یی اثناعشری بودند، به میان آمده است. نامبرده از این گروه فاصله گرفته و خود را مهدی منتظر معرفی کرد، سپس دعوای خدایی نمود، که گویا الله متعال در وجود اوست - الله متعال بسیار بزرگ و دارای جایگاه بلند است از اینکه کافران و ملحدان بر وی دروغ می بندند -.

موصوف از برانگیخته شدن پس از مرگ، محاسبه، بهشت و دوزخ انکار نموده و روانه یی طریقت براهمه و بودایان کافر گردید. یهود، نصارا و مسلمانان را یکی خوانده و در میان آنها به هیچ تفاوت قایل نشد. همچنان نبوت خاتم پیامبران محمد (صلی الله علیه وسلم) و بیشتر احکام اسلام را انکار نموده .

بعد از مرگش مسؤولیت اش را (بهاء) نام بر عهده گرفت، دعوت و منهج وی را پخش نمود که و پیروانش افزایش یافته و نام گروه را بنام خود مسمی کرد.

از جمله گروه های خارج از اسلام، اگر چه دعوای اسلام را بکنند، نماز بخوانند، روزه بگیرند، حج را ادا کنند گروه شامل افراد زیادی است که میگویند جبریل (علیه السلام) در رساندن رسالت پیامبری خیانت نموده است.

پیامبری که باید به علی (رضی الله عنه) تحویل داده
میشد، آنرا به محمد (صلی الله علیه وسلم) سپرده است.
و بعضی از آنها میگویند که علی (رضی الله عنه) خدا
است، در تعظیم و بزرگ پنداشتن او و فرزندان و نوه
های، فاطمه و خدیجه (رضی الله عنهم) افراط میکنند،
حتی آنها را بمقام خدایی بالا میبرند و از آنها کمک
میجویند، به معصومیت آنها و اینکه جایگاه آنها از
پیامبران بالاتر است، عقیده دارند.

و می گویند: قرآن کریم که فعلا در دسترس ما قرار دارد،
دارای زیادت و کمبودی های است، و برای خود قرآن
مخصوص خودرا ساخته اند، شماری از آیات و سوره ها را
بر اساس هوا و خواهشات نفسانی خود گذاشته اند.

به بهترین مسلمانان (ابوبکر و عمر رضی الله عنهما) که
فضیلت و مقام شان بعد از محمد (صلی الله علیه

وسلم) میباشد دشنام می دهند، همچنان مادر مومنان بی بی عایشه (رضی الله عنها) را دشنام می دهند.

هنگام سختی و مصیبت از علی (رضی الله عنه) و فرزندان او کمک می طلبند و بجای الله به آنها رجوع می کنند. حضرت علی (رضی الله عنه) و فرزندان او از آنها بیزار هستند؛ چون آنها را در مقام الوهیت قرار داده اند، کتاب و کلام الله را تحریف نموده اند.

خداوند متعال پاک و منزّه است از آنچه که به او بستند.
(۸۳)

این همه گروه های که اینجا ذکر شدند، بعضی از گروه کفری میباشند که دعوی اسلام را دارند در حالیکه آنها اسلام را از داخل ویران میسازند.

پس ای انسان و مسلمان عاقل که هر جا هستید! دین اسلام مجرد ادعا کردن به مسلمان بودن نیست، بلکه

شناخت قرآن کریم، واحادیث ثابت شده از رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، و عمل بر آن می باشد. آیت های قرآن کریم و احادیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را با تفکر و تدبر تلاوت و مطالعه کن، آنجاست که هدایت، نور و راه مستقیمی که تعقیب کننده اش را به خوشبختی بهشت در نزد الله متعال میرساند.



* دعوت بسوی نجات *

ای انسان عاقل (اعم از مردها و زنان) که تا حال در اسلام داخل نشده اید... به تو این دعوت نجات دهنده را تقدیم مینمایم، و می گویم که :

خود را از عذاب الله بعد از مرگ در قبر و آتش جهنم نجات بده.

خود را بوسیله یی ایمان به الله، و پیامبری محمد (صلی الله علیه وسلم)، و به دین اسلام نجات بده.

و با کمال راستی بگو: لا اله الا الله محمد رسول الله، نمازهای پنجگانه را ادا کن، زکات مال خود را بپرداز، ماه رمضان را روزه بگیر، حج خانه الله را در صورت توان انجام بده.

به الله متعال اسلام خود را اعلام کن؛ چون راه نجات و سعادت (۸۴) همین است.

و من به الله متعال - که جز او دیگر معبود بر حق نیست - سوگند یاد می کنم که همین اسلام دین حقیست که الله متعال تنها آن را می پذیرد. الله، فرشتگان، و تمام مخلوقات الله را گواهی میدهم که معبود برحق جز الله متعال نیست، و اینکه محمد (صلی الله علیه وسلم) فرستاده ای اوست، اسلام حق است و من از جمله یی مسلمانان هستم.

از الله متعال می خواهم که مرگ در حالی سراغم بیاید که من، فرزندانم و تمام برادران مسلمانم، مسلمانان واقعی باشیم، و همه یی ما را در باغ های بهشت همراه با پیامبر راستگو و امانتکار و تمام پیامبران، آل بیت و صحابه یی کرام یکجا نماید.

از الله متعال میخواهم این کتاب را برای خوانندگان و شنوندگان مورد فایده و منفعت قرار دهد .. آیا من این پیام را رسانیدم .. ای الله تو گواه باش.

الله بر همه چیز داناست، وصلى الله وسلم على نبينا محمد، وعلى آله وصحبه، والحمد لله رب العالمين.



فهرست

- 1 * پیشگفتار و تقدیم *
- 4 * فصل اول *
- 4 * شناخت الله (۱- خالق بزرگ) *
- 34 * فصل دوم *
- 34 * شناخت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) *
- 50 * فصل سوم *
- 50 * شناخت دین حق (اسلام) *
- 142 * فصل چهارم *
- 142 * منهج و روش اسلام *
- 201 * فصل پنجم *
- 201 * کشف شماری از شبهات *
- 218 * دعوت بسوی نجات *